

«...دعواهای ما دعوائی نیست که برای خدا باشد
... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوائی ما برای
خدا است ما برای مصالح اسلامی دعوا می‌کنیم...
دعوائی من و شما و همه کسانی که دعوا می‌کنند همه
برای خودشان است...»

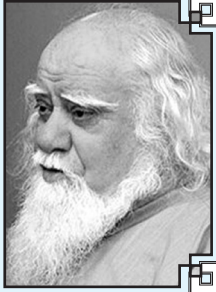
امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



سپاهی الهی زحمت

استاد حکیمی:

کتاب جورج
جرداق کاملترین
کتاب بعد از
«الغدير» است



سال سی و پنجم ♦ شماره ۱۷ ♦ شماره مسلسل ۱۴۸۷ ♦ نیمه اول آذر ماه ۱۳۹۳ ♦ قیمت: ۵۰۰ تومان

کنگره جهانی جریان های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام



کنگره جهانی «جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلامی» در مدرسه علمیه امام کاظم (ع) قم با سخنرانی شخصیت‌های برجسته داخلی و خارجی درخصوص خطرات افراطی گری به نام اسلام و خشکاندن جریان‌های واهی تکفیری برگزار شد. حضرت آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی در مراسم افتتاحیه این کنگره اظهار کرد: این روز را بهترین روزهای عمر خود می‌دانم که در کنار علمای بزرگی از بیش از ۸۰ کشور جهان و جمع زیادی از علمای برجسته داخل کشورمان قرار دارم.

وی گفت: می‌خواهیم درباره یکی از مهم‌ترین مشکلات جهان اسلام به مشورت بپردازیم و انشاء الله راه حلی برای مشکل شوم تکفیری‌ها بیابیم.

به گفته این مرجع تقلید تکفیری‌ها و افراطی‌ها در آن واحد هم ضربه به اسلام می‌زنند هم به مسلمین و جهان بشریت ضربه می‌زنند.

حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی تأکید کرد: وظیفه همه ما این است که انگیزه‌های این گروه منحرف را به دقت بررسی کنیم و ریشه‌های افکار این گروه که به طرف جهنم می‌روند بشناسیم و ببخشانیم.

وی با بیان اینکه تا کی بنشینیم و شاهد جنایت‌های این گروه باشیم اظهار کرد: اینها آبروی اسلام را برده‌اند؛ اسلامی که دین محبت و رأفت حتی به غیر مسلمانان است را آئین خشونت معرفی کرده‌اند. استاد برجسته حوزه علمیه افزود: ما باید جوانان فریب خورده‌ای که جذب آنان شده‌اند را از آنها جدا کنیم.

حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی با بیان اینکه مبارزه نظامی با این گروه لازم است ولی کافی نیست گفت: باید ریشه‌های فکری این گروه توسط علمای اسلام خشکانده شود.

وی ادامه صحبت‌های خود را به زبان عربی بیان کرد و با اشاره به اینکه ما در این کنگره برای خود سه خط قرمز ترسیم کرده‌ایم گفت: اول، دوری از مسائل سیاسی مورد اختلاف و بحث در مسئله تکفیر و غلو از دید فقهی و اسلامی، دوم، عدم طرح هر گونه بحثی در مورد مسائل اختلاف‌انگیز مذهبی حتی در یک کلمه بلکه باید همه ما دست در دست هم قرار دهیم و تبادل افکار در مورد خطر تندروی و تکفیر داشته باشیم و سوم، احترام به مقدسات همه مذاهب اسلامی از جمله این خطوط قرمز است.

وی با بیان اینکه جهان اسلام در دوره اخیر شاهد حمله وحشیانه‌ای سرشار از خشونت بوده که بی‌سابقه است گفت: این مسئله سبب برافروختن جنگ‌های خونین می‌شد که شهرهای آباد مسلمانان ویران و آثار اسلامی تخریب شده است و از جمله مساجد و قبور اولیای الهی و هزاران نفر از مسلمانان از خانه و کاشانه خود آواره شدند که در میان آنها کودکان و زنان بسیاری بودند و به ناموس بسیاری از مسلمان‌ها و غیرمسلمان‌ها تجاوزاتی صورت گرفت.

مرجع تقلید شیعیان تصریح کرد: این گروه‌ها به حق تجسم آیه شریفه‌ای هستند که می‌فرماید: اگر قدرت بیابند تلاش می‌کنند که در زمین فساد ایجاد کنند.

حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی افزود: اسفبار آن است که این مساله بهانه‌ای در دست دشمنان اسلام شده است برای آنکه اسلام را به دین بربریت و خشونت متصف کنند. تصادفی نیست که مخالفان اسلام اصرار دارند نام دولت اسلامی را بر روی داعش بگذارند.

وی داعش را تشکیلاتی انحرافی دانست که نه دولت است و نه اسلامی بلکه نامی از پیش خود درآوردن است که دشمنان اسلام با هدف حمله به اسلام بر آن گذاشته‌اند.

استاد برجسته حوزه علمیه اضافه کرد: بعد از این همه، از بین بردن آن با وسایل و ابزارهای نظامی و سیاسی ممکن نیست بلکه باید همه تلاش کنیم علمای دینی کنار هم جمع شود و مسائل اعتقادی و اندیشه‌ای که اینها مطرح می‌کنند و سبب جذب جوانان می‌شود مورد بررسی قرار گیرد.

شرح در صفحه ۷

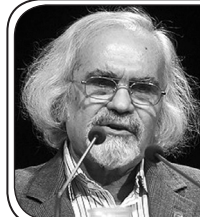
تجلیل از حجت‌الاسلام
والمسلمین دکتر
مرعی برای حفظ
مهمترین نماد
فرهنگ‌مداری ایران



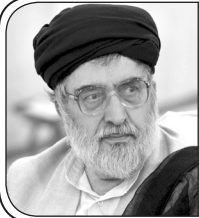
حجت‌الاسلام والمسلمین ثقفی
«نو اندیشی دینی»
در پرتوی از قرآن
آیت‌الله طالقانی



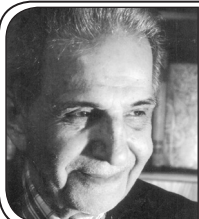
سخنان صریح
استاد مجاهدی
درباره مقاتل
بدون پشتوانه



بررسی اندیشه های
انسان شناختی جرج
جرداق در گفتگو با
استاد خسروشاهی



اثری از دکتر حسین رزمجو
معرفی کتاب امام موسی
صدر و دیدگاه او درباره
آراء و آثار دکتر شریعتی



اقبال لاهوری معتقد
بود برای رستگاری
باید خود را وقف
اهل بیت (ع) کنیم



برگزاری کنگره آیت‌الله آصفی (اسوه زهد، جهاد و اجتهاد)



گرامیداشت شخصیت آیت‌الله آصفی نشانگر آن است که حوزه علمیه، قدر عزیزان خود را می‌داند.

حجت‌الاسلام والمسلمین محمد محمدی گلپایگانی افزود: چنین مسئله‌ای دارای ریشه قرآنی است؛ در سوره مبارکه مریم، آیاتی وجود دارد که خداوند به صورت امر دستور می‌دهد که ذکر پیامبران و اولیای الهی آورده شود زیرا آنها الگوهایی کامل برای همه انسان‌ها به شمار می‌روند.

رئیس دفتر رهبر معظم انقلاب با بیان اینکه آیت‌الله آصفی نماینده رهبری در حوزه علمیه نجف است، گفت: هنوز شناخت صحیحی از چنین وجود عزیزی که عمر ۷۷ ساله خود را بیشتر در راه مبارزه، جهاد، نگارش و بیان حقایق دینی صرف کرده وجود ندارد.

وی ادامه داد: هنوز طلاب علوم دینی هم شخصیت آیت‌الله آصفی را به طور کامل نشناخته‌اند و یکی از برکات این کنگره، آشنایی با او محسوب می‌شود زیرا امثال آیت‌الله آصفی الگو و سرمایه‌ای برای حوزه‌ها محسوب می‌شوند.

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدی گلپایگانی با اشاره به بیش از ۲۰۰ اثر مکتوب آیت‌الله آصفی خاطرنشان کرد: گل سرسید این مکتوبات، تفسیر قرآن در ۱۰ جلد و در موضوعات مختلف است.

رئیس دفتر رهبر معظم انقلاب افزود: پیامبر اکرم (ص) طبیب دوار بودند و به دنبال مردم می‌رفتند تا آنها را هدایت کنند؛ آیت‌الله آصفی نیز به تبعیت از ایشان در سمت‌های مختلفی در نظام جمهوری اسلامی فعالیت کردند و در صحنه نیز حضور داشتند.

وی تصریح کرد: آیت‌الله آصفی با زحمت فراوان راضی شد که این کنگره را برای بررسی شخصیت و اندیشه‌هایش برگزار کنند.

ادامه در صفحه ۶

کنگره اسوه زهد، جهاد و اجتهاد، بررسی شخصیت، اندیشه و آثار آیت‌الله محمد مهدی آصفی با حضور شخصیت‌های برجسته حوزوی، حجت‌الاسلام والمسلمین محمدی گلپایگانی رئیس دفتر رهبر معظم انقلاب، رئیس جامعه المصطفی، آیت‌الله مقتدایی دبیر شورای عالی حوزه علمیه، حجت‌الاسلام ربانی رئیس مرکز خدمات حوزه‌های علمیه، حجت‌الاسلام والمسلمین اخترى دبیر کل مجمع جهانی اهل بیت (ع)، طلاب، فضلا و اساتید حوزوی در سالن قدس مجتمع آموزش عالی امام خمینی (ره) برگزار شد.

کنگره آیت‌الله آصفی ارج نهادن به اصالت‌های حوزه علمیه است

رئیس دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم به عنوان نخستین سخنران این کنگره اظهار کرد: این کنگره در حقیقت ارج نهادن و یادسپاری و نیز تأکید بر اصالت‌ها و ارزش‌هایی است که قوام و بنای حوزه‌های علمیه بر آن‌ها است.

حجت‌الاسلام والمسلمین احمد واعظی افزود: علم، تقوا، معنویت، اجتهاد، جهاد فی سبیل الله و خدمت به خلق و در مجموع صفات و ویژگی‌هایی که به خوبی و تمام معنا، در منش، گفتار، رفتار و شخصیت آیت‌الله آصفی جمع است که در حوزه‌های علمیه وجود دارد.

رئیس دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم با اشاره به احیای آثار آیت‌الله آصفی در این کنگره خاطرنشان کرد: سعی داریم طلاب حوزه علمیه را به این مطلب مهم توجه دهیم که می‌شود شخصی در صحنه اجتماع، سیاست و فعالیت‌های خطیر فرهنگی حضور داشته باشد و در عین حال، تقوا، معنویت و اخلاص را حفظ کند.

وی ادامه داد: می‌توان اهل جهاد و اجتهاد توأمان بود و در عین حال به نگارش و تحقیق پرداخت و همچنین فقرای امت را فراموش نکرد.

آقای واعظی با بیان اینکه می‌توان در عین کسب مراتب عالی علم و تقوا، تواضع و فروتنی را هم حفظ کرد، گفت: همه این ویژگی‌ها در شخصیت آیت‌الله آصفی جمع شده است.

رئیس دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم افزود: دست‌اندرکاران این کنگره، طی شش ماه همه آثار آیت‌الله آصفی را جمع‌آوری و در ۳۰ جلد کتاب، تمام منشورات و مکتوبات او را به زیور طبع آراسته کردند که این اقدامی بزرگ محسوب می‌شود.

داعش سر در آخور آمریکا و رژیم صهیونیستی دارد
در ادامه رئیس دفتر رهبر معظم انقلاب طی سخنانی اظهار کرد: اهتمام حوزه علمیه قم که مادر تمام حوزه‌ها محسوب می‌شود به

از جمله دغدغه‌های همیشگی رهبر انقلاب در همه‌ی این سال‌ها، ترویج و تبلیغ فرهنگ کتابخوانی در میان مردم بوده است و بارها با زبان گلایه و شکوه نسبت به این موضوع پرداخته‌اند. ایشان در جایی در این‌باره گفته‌اند: «مردم ما، با کتاب، بیش از آنچه که امروز انس دارند باید انس بگیرند. کتابخوانی چیزی است که برای یک ملت، فریضه است؛ واجب و لازم است. مردمی که اهل کتاب خواندن باشند، از لحاظ معلومات و ذکاوت و هوشیاری، تفاوت می‌کنند با مردمی که با کتاب و مطبوعات انس نداشته باشند.» در کنار این موضوع اما شاید جالب باشد که بدانیم رهبر انقلاب، در قالب یک علاقمند به حفظ موارث شیعه نیز عمل کرده و نگذاشته‌اند گنجینه‌های ناب اسلامی و شیعی که در طول قرن‌ها با مجاهدت علمای شیعه به‌دست ما رسیده است، از بین برود. ماجرای خرید کتابخانه‌ی بیش از ۸۰۰۰ جلدی مرحوم حاج مصطفی خوانساری توسط رهبر انقلاب نیز یکی از آن ماجراهای شنیدنی و جذاب است که برای اولین‌بار توسط پایگاه اطلاع‌رسانی KHAMENEI.IR منتشر می‌شود.

بیست و دو سال پیش بود که یک دستور در سلسله‌مراتب دفتر رهبر انقلاب وارد گردش کار شد. رهبر انقلاب حجت‌الاسلام محمدی گلپایگانی را مأمور خرید کتابخانه‌ی شخصی یکی از علمای تازه درگذشته در قم کرده بودند. چند سال بعد رهبر انقلاب ماجرای این اتفاق را در یکی از سخنانشان این‌طور شرح دادند: «ما کتابخانه‌ی مرحوم حاج مصطفی خوانساری را بعد از وفات ایشان خریدیم. ایشان کتابخانه‌ی بسیار نفیسی با پنج، شش هزار جلد کتاب خوب داشت که حدود هزار و اندی از کتاب‌هایش خطی بود. من چون دیدم این کتاب‌ها از دست می‌رود؛ ضایع می‌شود، همه‌اش را خریدیم. ایشان مثل چشمش این کتاب‌ها را حفاظت می‌کرد. ما کتاب‌های خطی کتابخانه‌ی ایشان را به آستان قدس فرستادیم و کتاب‌های چاپی‌اش را هم به مؤسسه‌ی آقای مصباح در قم دادیم؛ هدیه کردیم.»

اما اصل ماجرا چه بود؟

با گسترش استعمار در سده‌های نوزدهم و بیستم، اتهام‌هایی علیه جایگاه علمی شیعه طرح شد مبنی بر این که نقش تشیع در تاریخ علم اسلامی کمتر از آن است که تا به حال ادعا می‌شده؛ شیعیان تألیفات چندانی ندارند و کتاب‌های زیادی از آنان به‌جا نمانده است! این گفته برای عده‌ای سخت آمد. بزرگان شیعه نهضتی راه انداختند تا ثابت کنند علمای جهان تشیع نه‌تنها کم کتاب نوشته‌اند بلکه آثار زیادی در زمینه‌ی علوم مختلف اسلامی تألیف کرده‌اند.

«معروف بود ... که این کتاب فجر الاسلام را که احمد امین مصری نوشت، تهمت‌های زیادی و اهانت‌های زیادی در این کتاب به شیعه کرده است -بعد هم ضحی الاسلام و ظهر الاسلام و عصر الاسلام را نوشت و همین‌طور در همه‌ی این‌ها همین اهانت‌ها تکرار شده- وقتی منتشر شد، موجب شد که تعدادی از بزرگان و روشنفکران حوزه‌ی علمیه‌ی نجف به فکر بیفتند و پاسخ عملی بدهند. لذا مرحوم آشتیخ آقابزرگ تهرانی کتاب الذریعه را نوشت؛ مرحوم سید محسن جبل عاملی کتاب رجال معروف خودش را و اعیان الشیعه را نوشت؛ مرحوم صدر کتاب تأسیس الشیعه لفنون الاسلام را نوشت؛ این‌ها دفاع کردند، دفاع عملی. یعنی یک کتاب سیصد چهارصد یا دویست سیصد صفحه‌ای فجر الاسلام موجب شد که چند دایرةالمعارف بزرگ در شیعه به وجود آمد. این، زنگ بیدارباش بود؛ خورد، این طرف بیدار شد و کاری که باید بکند، انجام داد.»

کتابخانه‌ای برای دفاع از حریم شیعه

در همان سال‌ها آقا سید احمد خوانساری (متوفی ۱۳۵۹ قمری) هم دست به کار شد. او می‌خواست با الهام از الذریعه کتابی بنویسد و دایرةالمعارفی از کتاب‌های شیعه تهیه کند. لازمه‌ی تألیف چنین کتابی

دسترسی به نسخه‌های خطی و چاپی فراوان بود. علی‌رغم کمی امکانات و کمبودهایی که به‌خصوص در دوره‌ی پهلوی اول بود، و با وجود درد چشم و مشکل بینایی، او کارش را با جمع‌آوری کتاب‌ها آغاز کرد. حتی نسخه‌هایی را که از دیگران قرض می‌گرفت به قلم خودش استنساخ کرد. حاصل کار او شد کتاب «کشف الاستار عن وجه الکتب و الاسفار» که یک‌جور کتاب‌شناسی تفصیلی شیعه بود. با وفات سید احمد خوانساری کتاب‌ها به پسرش سید مصطفی صفایی خوانساری رسید. سید مصطفی خوانساری در قم زندگی می‌کرد و زمان حیات پدر در جمع‌آوری کتاب‌ها کمک‌کارش بود و گاهی نسخه‌هایی را از قم به کتابخانه‌ی شخصی پدر در خوانسار می‌فرستاد. به‌علاوه در کتاب‌شناسی هم استاد بود. آقا مصطفی صفایی خوانساری جزو روحانیون فاضل و محقق قم، در بین اهل علم و مراجع تقلید جایگاه ویژه‌ای داشت. آیت‌الله ابطحی اصفهانی که خود از کتاب‌شناسان میرز قم است، او را مرجع‌المحققین خطاب می‌کرد و آیت‌الله سبحانی نیز به ایشان لقب «دایرةالمعارف سیال حوزه‌ی علمیه‌ی قم» داده بود.

توجه به میراث پدر، علاقه به حوزه‌های مختلف علوم و همین‌طور کتاب‌شناسی آیت‌الله سید مصطفی صفایی خوانساری، سبب شد کتابخانه‌ی کوچکی که با مشقت پدر در خوانسار گرد آمده بود، گسترش یابد و به غنی‌ترین و مهم‌ترین کتابخانه‌ی شخصی (پس از کتابخانه‌ی مرحوم آیت‌الله‌العظمی نجفی مرعشی) بدل گردد. او کتاب‌ها را با وسواس می‌خواند، بر آنها حاشیه می‌نوشت و برای هر کدام به دقت شناسنامه‌ای تهیه می‌کرد. ده‌ها جلد از نسخه‌های خطی ناقص این کتابخانه را با مقابله‌ی نسخ دیگر به خط خود تکمیل کرد؛ بسیاری از نسخه‌ها را نیز استنساخ و تصحیح نمود. کتاب‌های زیادی با استناد به نسخ منحصر به فرد موجود در این کتابخانه به چاپ رسید که به‌عنوان نمونه می‌توان به «جامعُ الرِّوَاةُ» اردبیلی^۳ و «قرب الاسناد» حمیری اشاره کرد.

محققی که محل رجوع مراجع تقلید بود

در آن سال‌ها دسترسی به کتاب آسان نبود و بسیار پیش می‌آمد که بزرگانی چون آیت‌الله‌العظمی بروجردی، طلاب را برای دسترسی به کتاب‌ها به کتابخانه‌ی آیت‌الله خوانساری ارجاع دهند. آیت‌الله خوانساری از معتمدین و نزدیکان آیت‌الله‌العظمی بروجردی بود. او به همراه آیت‌الله فاضل قفقازی (پدر مرحوم آیت‌الله‌العظمی فاضل



آیت‌الله سید مصطفی صفایی خوانساری در سنین کهنسالی در کنار آیت‌الله العظمی محمدرضا گلپایگانی

لنکرانی) و آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی کرمانی، شورای استفتاء آیت‌الله‌العظمی بروجردی (زعیم حوزه‌ی علمیه‌ی قم) را اداره می‌کردند. آقای خوانساری به کتابخانه‌های مدرسه‌ی فیضیه و مسجد اعظم نیز رسیدگی می‌کرد و بعضی وقت‌ها از جانب آیت‌الله بروجردی مأموریت می‌یافت در سفر به شهرها و بلاد کتاب‌هایی را برای حوزه خریداری کند.

گنجینه‌ی کتابخانه‌ی آیت‌الله خوانساری ۱۵۱۲ نسخه‌ی خطی داشت و ۶۵۰۰ نسخه‌ی چاپی. قدمت ۶۲ نسخه از آن به قبل از سال هزار هجری قمری برمی‌گشت و ۲۷۰ نسخه‌اش به قلم مرحوم سید احمد خوانساری استنساخ شده بود. ۱۱۰ نسخه مزین به دست‌خط علما و بزرگان دین بود و ۶۲ نسخه‌ی دیگر هم تذهیب‌کاری شده بود. کتاب‌های چاپی این کتابخانه هم منحصر به فرد بودند. بسیاری از آنها چاپ سنگی و یا چاپ اول بودند و ویژگی متمایزکننده‌شان از نسخ چاپی دیگر این بود که تعدادی از اینها در چاپ‌های بعد تغییراتی کرده بودند و این کتاب‌ها در حقیقت نسخ قبل از تحریف بشمار می‌آمدند. علاوه بر این، مرحوم آیت‌الله خوانساری از برخی کتاب‌ها چند نسخه داشت که امکان مقایله و تصحیح نسخ را فراهم می‌کرد.

این کتاب‌ها با مشقت فراوان و در طول سالیان تهیه شده بود و یافتن هر کدامش ماجرابی داشت. کتاب «عبقات الانوار»^۴ یکی از آنهاست که آیت‌الله مصطفی خوانساری در جست و جوی مجلد حدیث منزلت این کتاب، پسرش احمد (که هم‌نام پدر بزرگ بود) را مأمور کرد در سفر به هند، نسخه‌ای از آن را تهیه کند. او نیز در نهایت توانسته بود به کمک سفیر ایران در هند، نسخه‌ای از کتاب را از نوه‌ی میرحامدحسین هندی، نویسنده‌ی کتاب بگیرد. آیت‌الله خوانساری از کتاب‌ها

درباره جایزه جلال

مهدوی راد افزود: من در جلسات داوری جایزه جلال بوده‌ام و اعلام می‌کنم که همه داوران این جایزه ادبی همگی محقق، متدین و متشرع هستند و از منتقدانشان انقلابی‌تر، پاک‌تر و ذهن‌پاک‌تر هستند.

دبیر علمی جایزه ادبی جلال‌آل احمد افزود: کسانی که صحبت از معیار و خط و جهت در داوری این جایزه می‌کنند آیا تخصص‌شان بیشتر از این داوران است یا در حوزه اجرا از آقای قرلی که خودش بجه این انقلاب است بالاتر و متدین‌تر هستند؟ من فکر نمی‌کنم دوستان جایزه از این منظر کمتر از آنها باشند. متاسفم که این روزها دهان ما افسار ندارد. در حدیث آمده که بالاتر از این، دهان مومن باید لگام داشته باشد. اینکه بگوییم این کتاب فلان شکل است که دلیل نمی‌شود. آثار حاضر در جایزه جلال از منظر جایگاه و موضوع این جایزه بررسی شده‌اند و کاندیداهای بالاترین‌ها از این منظر هستند. وی ادامه دارد: برخی مثال‌هایی می‌آورند از یک کتاب و نتیجه‌ای می‌گیرند. این صحیح نیست. داوران جایزه همه بچه‌های انقلاب و از اعضای همین جامعه هستند و به اتفاق در مورد کاندیدها رأی دادند. حتی از خود من در برخی موارد سؤال کردند و من ورود نکردم. حالا اگر وارد می‌شدم و اصرار می‌کردم به نظری نمی‌گفتند دیکتاتوری شده است؟ من نمی‌فهمم ما با این برداشت‌ها داریم به کجا می‌رویم؟

مهدوی‌راد افزود: هیچ کتابی را نمی‌توان پیدا کرد

سرگذشت کتابخانه‌ای که رهبر انقلاب نگذاشتند از بین برود

به‌دقت محافظت می‌کرد. تعدادی از کتب نفیس را به شکل جداگانه در صندوقچه‌هایی مخصوص نگه می‌داشت و در هر صندوقچه، یک جلد قرآن و یک جلد صحیفه‌ی سجادیه می‌گذاشت تا کتاب را از آسیب‌های احتمالی حفظ کند.

کتابخانه‌ای که از بین نرفت

۲۳ مهر ماه ۱۳۷۱ آیت‌الله سید مصطفی خوانساری رحلت کرد. از همان نخستین روزهای رحلت ایشان مراجعات گروه‌های مختلف برای در اختیار گرفتن این گنجینه‌ی ارزشمند آغاز شد. عمده‌ی مراجعین سه گروه بودند؛ نخست کسانی که قصدشان از خرید این مجموعه، صرفاً کسب منفعت از تجارت کتاب بود. دوم آن‌هایی که این کتاب‌ها را برای کتابخانه‌ی شخصی خود می‌خواستند و دسته‌ی سوم، مؤسسات و یا کتابخانه‌های کوچک قم و شهرستان‌های دیگر که در تلاش بودند این گنجینه‌ی عظیم را تصاحب کنند. مدتی گذشت و خبر به گوش رهبر معظم انقلاب رسید. آقای محمدی گلپایگانی به نمایندگی از حضرت آیت‌الله خامنه‌ای آمادگی ایشان برای خرید کتابخانه را به فرزندان مرحوم خوانساری اعلام کرد و آن‌ها را در جریان نیت ایشان برای خرید کتابخانه و اهدای آن به آستان قدس رضوی و مؤسسه‌ی امام خمینی (ره) قرار داد. آن‌ها نیز پذیرفتند و معامله انجام شد. احمد خوانساری با همان پول برای پدر بزرگش آیت‌الله احمد خوانساری مقبره‌ای ساخت و کمی بعد مؤسسه‌ی خیریه‌ی ایتمی هم تأسیس کرد که باقیات‌الصالحاتش ماندگار باشد.

یک روز بعد، آیت‌الله استادی برای تحویل کتابخانه به قم آمد. از آن‌جا که در دوره‌ی بیماری آیت‌الله خوانساری و روزهای پس از ارتحال ایشان، کسی به کتابخانه رسیدگی نکرده بود، چهار پنج مجلد از کتاب‌های روی طاقچه را موربانه خورده بود. فقط کافی بود تا کمی دیگر خرید و انتقال کتاب‌ها به عقب بیفتد و پیک رهبر انقلاب کمی دیرتر برسد تا موربانه همه‌ی کتاب‌های خطی را از بین ببرد.

پی‌نوشت‌ها:

- بیانات در دیدار اعضای همایش مرحوم حاج آقا نورالله اصفهانی ۱۵/۵/۱۳۸۴
- بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۲۵/۶/۱۳۸۹
- با نام کامل «جامعُ الرِّوَاةُ وِإِزَاحَةُ الاشتباهات عن الطرق وِالآسناد»
- با نام کامل «عِبقات الانوار فی مناقب الائمة الاطهار»

که ۱۰۰درصد بدون مسئله بوده و بشود به آن گفت پاک. کسی که این حرف را می‌زند یا کتاب نمی‌خواند یا کتاب را نمی‌فهمد. هر اثری با تکنیک و محتوا و پردازش خاصی نوشته می‌شود که یکی آن را می‌پسندد و یکی هم نه.

دبیر علمی جایزه ادبی جلال‌آل احمد تصریح کرد: در جلسه داوری بخش داستان کوتاه این جایزه، امسال یکی از عزیزان که از داستان‌نویسان بسیار شناخته شده است در مورد یک اثر اصرار داشت که ضعیف است اما بقیه نظری مخالف با وی داشتند. در نهایت اما او هم به حرف جمع احترام گذاشت. البته در هر داوری به هر حال خطا هم هست اما مهم نظر جمع است.

وی ادامه داد: از ابتدای انقلاب اسلامی من در جایزه‌های متعددی بوده‌ام و کار داوری را انجام داده‌ام. موارد بسیاری بوده‌اند که به یک کتاب داوری نمره ۹۵ از ۱۰۰ را داده و داور دیگری مثلاً نمره ۴۵ یا ۳۵ سؤال کردیم و دیدیم هر کدام از زاویه‌ای به کتاب نگاه کرده‌اند. من خودم در داوری‌ها کتابی بوده که به آن نمره صفر یا نصف داده‌ام اما به خاطر نظر اکثریت داوران پای صورت‌جلسه داوری را امضا کرده‌ام و از نتیجه هم دفاع می‌کنم. وی در پایان تصریح کرد: داوران امسال جایزه جلال توسط بنیاد انتخاب و پس از آن به تأیید هیئت علمی و بنده نیز رسید. البته در یکی دو مورد من پیشنهاداتی نیز داشتم که مورد توجه قرار گرفت.

احیاناً این تفسیرها و تفسیر به رای ها، که در پرتو مکاتب و مذاهب، تحریر یافته اند، خود «حجابی» بوده اند که مانع رسیدن نور هدایت قرآن به ضمایر دل‌های پاک هر نسل شده اند و بجای اینکه روشنائی بخشند، تعصب آفریده اند که رفتن به راه تعصب، خود خامی و ناپختگی است! طالقانی کتاب خود را تفسیر نمی نامد که از قرآن پرده‌برداری تلقی شود و ایهام مقصود نهائی قرآن بحساب آید. زیرا آنچه به عنوان تفسیر قرآن نوشته می شود محدود به فکر و معلومات مفسرین است و با آنکه قرآن برای هدایت و بهره همه مردم در هر زمان تا روز قیامت می باشد. پس اعماق حقایق آن نمی تواند در ظرف ذهن مردم یک زمان درآید. در این صورت از «سیر تکاملی» باز می ماند...

از این جهت کتاب خود را «پرتوی» از هدایت قرآن که خود یافته است، مناسبتر می بیند. آیت‌الله طالقانی به خوبی دریافته بود که، دور افتادن مسلمانان از فضای انوار هدایت قرآنی، آنان را پرآکنده ساخته، اسیر هوا و هوس گمراه ساخته و آنها را ذلیل ملت‌های استعمارگر قرار داده است. مسلمانان اگر بخواهند روزی سیادت خود را باز یابند، باید قرآن حاکم در همه شئون زندگی خود گردانند و در پرتو هدایت‌های آن، عزت و شرف و استقلال خود را باز یابند. قرآن کتابی است که با ضمیر هر انسانی سروکار دارد و ضمیر مبدء فعال سازمان انسانی است و می تواند در میان تاریکی‌های ماده، درون انسانی را برافروزد و چون شب پر ماه و ستاره آنرا فروزان گرداند، آنگاه بامداد روشنائی ار افق باطن پدید آورد. وظیفه رسالت عالمان دین، در هر عصر و زمان هدایتگری و تاباندن انوار قرآنی به ضمایر انسانی است و با بازگشائی اشارات و لطائف قرآن، مسلمانان را متحول سازند و جامعه اسلامی را پیشرو دیگر انسان‌ها قرار دهند.

طالقانی خود سوخته این هدایت قرآنی بود و به همین جهت بود که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی از طریق رسانه ملی هدایت های قرآنی را با بینندگان دوره تحول اسلامی در میان می گذاشتو با کارگردانی شاگردش دکتر سید محمد مهدی جعفری برنامه «قرآن در صحنه» را از تلویزیون جمهوری اسلامی اجرا می کرد.

منبع: ایبنا

«نو اندیشی دینی» در پرتوی از قرآن آیت‌الله طالقانی

را به بندگان صالح خود وا گذارد. «پیشوای این مکتب تفسیری، امام محمدعبد است که اساس این بنیان عظیم را پی افکنده و باب «اجتهاد» در تفسیر را پس از چندین قرن گشود.

وی روش تقلید از گذشتگان را ب کناری نهاد و به عقل و آزادی نقد و تحقیق روی آورد. این مکتب بوسیله مفسران بعدی که بیشتر از مکتب محمد عبده متأثر بودند، تکمیل گردید.

بزرگانی بمانند: رشید رضا، شیخ محمد قاسمی، شیخ احمد مصطفی مراغی و پس از آنان علمای دیگری مانند: سید قطب، شیخ محمد جواد مغنیه، شیخ محمد صادقی، سید محمد حسین فضل الله، سید محمد شیرازی، شیخ سعید حوئی، محمد طاهر ابن عاشور، سید محمد تقی مدرسی، ناصر مکارم شیرازی، استاد محمد تقی شریعتی، دکتر وهبه زحیلی، آیت الله سید محمود طالقانی، مهندس مهدی بازرگان و در راس این گروه علامه سید محمد حسین طباطبائی قرار می گیرند. آیت‌الله طالقانی، تفسیر خود را نخست برای جوانان مسلمان در «انجمن اسلامی مهندسین» و در مسجد هدایت بیان کرده و توانسته است که مفاهیم و حقایق و معارف الهی را به ضمایر پاک جوانان و سپس خوانندگان، ایصال نماید. به نظر آقای طالقانی همانند بسیاری از مفسران، قرآن کتاب هدایت است. اصولاً کار و وظیفه دین و مذهب هدایت و ارشاد است. ارشاد راه هدایت است طریق، قرآن نه کتاب علمی و فیزیکی و ادبی و... نیست بلکه آنچه در نزول آیات الهی هدف اصلی، جنبه هدایتی آنهاست. این حقیقت در آیات متعددی یادآوری شده است. مضمون آیات ۱۰ تا ۱۴ سوره زخرف، این حقیقت را روشن می سازد.

کلیدواژه مرحوم طالقانی در تفسیر خود «واژه» هدایت به غایات، است. رسیدن به کمال و شاهد هدف را در آغوش کشیدن، هدف اصلی کتاب هدایت است: «هدایت به غایات، هم استعداد ها را هر چه بیشتر بکار می اندازد و قوای بشری را در راه خیر و صلاح پیش می برد، م آنچه مسخر آدمی می گردد در راه کمال و امنیت بکار می رود. این همان طریق «اقوم» است که از هیچ مکتب و کتابی جز مکتب پیامبران و قرآن ساخته نیست. ان هذا القرآن یهدی للتی هی اقوم، قرآن چون کتاب هدایت عموم است همه می-توانند در پرتو هدایت قرآن قرار گیرند. »

از این منظر است که مرحوم طالقانی، محور اصلی را خود قرآن قرار می دهدو به تفسیرهای متنوع در طول زمان تاریخ اسلامی، چندان اهمیتی قائل نمی شوند، بلکه

اسلامی را به عهده دارند و «بیدار گران اقالیم قبله اند.» این نهضت قطعا در دل هر مسلمان آگاه به زمانی که حائز دو ویژگی است نفوذ دارد: نخست تعهد اسلامی و سپس تخصص علمی، و در این میان نخبگان نو اندیش که دو فرهنگی اند (اسلامی و علوم عصری) حضور بارزی دارند. از میان عالمان دینی از شیخ عبده و رشید رضا تا آیت الله نایینی، از شیخ هادی نجم آبادی تا آیت‌الله طالقانی و شهید مطهری، از میان دانشگاهیان از اقبال لاهوری تا مهندس بازرگان، از دکتر عبدالله سحابی تا دکتر شریعتی و استاد محمد تقی شریعتی و از میان نویسندگان از محمود عقاد تا مالک بن نبی و جلال آل احمد به این سلسله جلیل تعلق دارند. این گروه متفکران اجتماعی خصلت‌های فضل و فضیلت را در خود جمع کرده اند. علم را با ایمان و اخلاق و تعهد و رسالت اجتماعی همراه ساخته اند. سیاست مدارند، اما سیاست را با اخلاق عجین می‌دانند و پویایی جامعه را همراه سلوک اخلاقی توانان دنبال می کنند.

بیدارگری اقالیم قبله، که مشخصه بارز این گروه اندیشمند است، تلازم دارد که جامعه اسلامی، آغاز بیداری اجتماعی خود، با آگاهی از منبع اصیل و نخستین اسلام، یعنی قرآن کریم آغاز کند. از این جهت است که این بیدارگران توجه خاص خود را به تفسیر و تبیین مفاهیم قرآنی پرداختند و علم تفسیر و مطالعه قرآن را امری لازم در جامعه سلمان ضروری می دانستند.

این نهضت قرآنی، خود، مکتبی را برآورده است که مهمترین ویژگی این مکتب قرآنی، آشنایی و توجه به مسائل هدایت گری قرآن در عصر حاضر است.

چگونه زیستن، چگونه ماندن و چگونه ساختن آینده از مسائلی است که تناسب با سیر تکاملی تحول علم را در شکل گسترده تری مطرح می سازد. این مکتب تفسیری را می تون «مکتب تفسیری: ادبی- اجتماعی» تلقی کرد. «این مکتب، سبکی ادبی- اجتماعی در تفسیر دارد و گوشه هایی از بلاغت قرآن و اعجاز بیانی آن را ظاهر می سازدو معانی و جوانب مختلف آنها را مشخص می کند و سنتهای حاکم بر جهان هستی و جامعه را که در قرآن بدان اشاره شده، آشکار می کند بویژه مشکلات جامعه اسلامی و جامعه بشری و طرح ارشادات و راهنمائی‌های قرآن می پردازد.

علاوه برآن بین قرآن و نظریات صحیح و ثابت علمی مطابقت و هماهنگی برقرار می کند و برای مردم روشن می سازد که قرآن کتاب جاوید الهی است و می تواند همگام با تحولات زمان پیش برود تا اینکه خداوند زمین

مداحان نباید در مجالس مردم را مغرور کنند

نو را سود نمی دهد مگر عمل صالحی که امروز پیش می فرستی».

بنابراین روایات امام می فرماید رها کنید که پدرت کیست؟ جدت کیست؟ بلکه انسان باید عمل نیکو داشته باشد. مداحان نباید در مجالس مردم را مغرور کنند که این اشتباه بزرگی است. گاهای دیده می شود در مجالس ۲ ساعت سینه زنی می شود که این جای دو رکعت نماز را نمی گیرد. در مجالس گاهای ذکر یا علی گفتن را بالاتر از نماز عنوان می کنند که این انحراف بزرگی است. ما باید ابتدا مردم را تشویق به عمل به واجبات و ترک محرمات بکنیم و به خاطرشان بیابوریم که خدا همه کاره است و اگر به اهل بیت نیز اختیاراتی داده شده است، همگی عنایت خداوند است و اینگونه نیست که این تصور ایجاد شود روز قیامت خداوند بگوید بی نماز وارد جهنم شود ولی امام حسین (ع) بگویند من این فرد را به بهشت می فرستم! چنانچه پیامبر اکرم (ص) کی فرمایند: «لَا یَبَالُ شَفَاعَتِی مَنْ أَخَّرَ الصَّلَاةَ بَعْدَ وَقْتِهَا» یعنی کسی که نماز را از وقتش تأخیر بیندازد، (فردای قیامت) به شفاعت من نخواهد رسید. سخنان برخی مداحان مثل این است که نمود بالله بگویم امام حسین (ع) در روز قیامت دکانی بغل دکان خداوند باز کرده است! خداوند بگوید فرد عرق خور جهنم و امام حسین (ع) بگوید این سینه زن من است و بهشت! این توهین است و اینگونه در بین مردم تعریف شفاعت را کردن اشتباه است. کسی که ولایت و دوستی امام علی (ع) و اهل بیت را در دل دارد

حجت الاسلام دکتر سید محمد ثقفی

وقتی که سید جمال الدین اسدآبادی در صد و پنجاه سال پیش، نهضت اجتماعی، مذهبی و فرهنگی «نو اندیشی دینی» را آغاز کرد، آیه «ان الله لا ینغیر ما بقوم حتی ینغیروا ما بانفسهم» (سوره رعد، آیه یازده) را شعار خود قرار داد. او به درستی دریافت که هر نهضت اجتماعی، فکری و ایدئولوژیکی، هدف و انگیزه لازم دارد. به نظر سید عامل محرک تاریخ، اراده انسانها است و آیه مزبور به این فلسفه تاریخ اشاره میکند. تغییر هر جامعه ای، پیشاپیش باید با تغییر افراد و ملت آن جامعه همراه باشد. آنچه در نهضت بیداری اجتماعی اسلامی ضروری است بنا بر طبیعت هر حرکت و نهضتی پویایی جامعه و اعضای جامعه می‌باشد. پویایی به معنی تحرک، آگاهی به زمان و مقتضیات آن، رشد اجتماعی همراه با آشنایی با علوم عصر و تخصص در آنها و تعهد علمی و وجدانی در بازسازی جامعه.

خصلت علم زودون ایهام و روشن ساختن مسیر و تبیین مسایل اجتماعی فکری است و طبیعتا باعث شکوفایی عقلانیت و رفع موانع رشد فکر و در نتیجه زودون خرافات می‌گردد. خرافات به سان بت‌های ذهنی و اجتماعی است که مانع درست اندیشیدن و بصیرت داشتن می‌شود و مانند تار عنکبوتی که به بدنه موجودی تنیده شود هرگز نمی گذارد ذهن آدمی درست فکر کند و خوب بفهمد.

به قول دکتر شریعتی: سید به خوبی می‌فهمید که تار و پود جامعه‌های مسلمان، مذهب آن هم اسلام است. اما این اسلام با اینکه در ابتدای ظهورش عامل پویایی و تحرک بوده است، اما متأسفانه امروزه، عامل ایستایی و در جا زدن است. پس نخست باید خرافات را از بدنه اسلام زدوده و به عمل پاکسازی و پیرایش دست زد. منظور سید از جامعه مسلمانان یک جامعه اسلامی است اما کدام اسلام؟ اسلام عقلانی خود پسند؟ یا اسلام تقلیدی بدون تفکر؟ آری این مسأله اصلی نهضت نواندیشی دینی است صاحبان این اندیشه، طرفدار جامعه پویا و مذهب خالص و بی‌پیرایه هستند.

طبیعی است که مخاطبان سید، گر چه به ظاهر همه امت‌های اسلامی هستند، اما مشخصا او نخبگان و فرهیختگان جامعه اسلامی را مخاطب می‌داند و از همین جهت است که به عالمان زمان نامه می‌فرستد و آنان را برای رفع استبداد و مبارزه با استعمار فرا می‌خواند. تلاش‌های اجتماعی سید قشمر و گروهی را در جامعه اسلامی پدید آورد که آنان رسالت آگاهی دادن به جامعه

حاج یدالله بهتاش از پیر غلامان صاحب نام و دل سوخته اباعبدالله الحسین (ع) در گفت و گو با خبرگزاری شبستان به بیان نکاتی در مورد عزاداری های رایج این دوران و به صورت اختصاصی نکاتی دقیق در خصوص مبحث شفاعت ایراد نمود که در زیر می خوانید.

امروزه شاهد آن هستیم در هیئات و مجالس عزاداری اصرار بسیاری بر شفاعت می شود در حالی که اغلب سخنی از شرایط آن آورده نمی شود و متأسفانه شاهد آنیم در عام مردم بحث شفاعت به گونه ای انحرافی تعمیم داده شده به طوری که فرد در ذهن خود این را پروانده که حُب اهل بیت انسان را در مقابل گناهانش مصون می کند. نظر شما چیست؟

چند سال پیش مقام معظم رهبری از قول پیامبر (ص) خطاب به حضرت فاطمه زهرا (س) جملاتی را فرمودند که بسیار قابل تامل است. حدیث از طرق شیعه است که پیغمبر به فاطمه سلام‌الله‌علیها فرمود: «یا فاطمه انّی لم اغنی عنک من الله شیئا»؛ یعنی ای عزیز من! ای فاطمه‌ی من! نمی‌توانم پیش خدا تو را از چیزی بی‌نیاز کنم. یعنی خودت باید به فکر خودت باشی، و او از دوران کودکی تا پایان عمر کوتاهش به فکر خود بود و این سخن آن را می رساند که نسبت پدر فرزندی حتی برای فاطمه که دختر پیامبر است کارساز نیست و انسان خود باید عمل داشته باشد.

حتی بالاتر از این روایت می توان به روایتی به نقل از طاووس یمانی اشاره کرد که می گوید: حضرت علی

اشاره : استاد سیدهادی خسروشاهی می‌گوید: من با جرج سجعان جرداق از ۵۵ سال قبل آشنایی و مکاتبه داشتم و نیم قرن پیش هم کتاب او را درباره امام علی (علیه السلام) که به قول عرب‌ها «موسوعه» و به قول ما فرهنگ نامه‌ای درباره امام علی (علیه السلام) و اندیشه‌های اوست، ترجمه کردم که تاکنون بیش از ۲۰ بار و در ده‌ها هزار نسخه چاپ و منتشر شده است. به مناسبت درگذشت استاد جرداق، به گفت‌وگو با سیدهادی خسروشاهی پرداختیم تا گوشه‌ای از یادداشت‌ها و خاطرات مربوط به او را در اختیار علاقه‌مندان قرار دهد.

سید حسین امامی - هفته نامه پنجره - شماره ۲۱۹

* * *

گفته می‌شود آشنایی شما با جرج سجعان جرداق به سال‌های دور بر می‌گردد؛ این آشنایی چگونه حاصل شد؟

آشنایی بنده با جرج سجعان جرداق، ادیب فرهیخته و نویسنده نامدار مسیحی عصر ما، به بیش از نیم قرن پیش بر می‌گردد. با توجه به تاریخ پاسخ نامه‌ای که جرج جرداق در سال ۱۹۵۹ میلادی نوشته است، در واقع ۵۵ سال از آغاز آشنایی و مکاتبه ما می‌گذرد.

من برای نخستین بار کتاب «الامام علی صوت العداله الانسانیه» را در بیت آیت الله سید رضا صدر دیدم. کتاب را یکی از منسوبین ایشان از بیروت برایشان فرستاده بود. معظم له کتاب را در اختیار من قرار دادند و گفتند: اگر بتوانید آن را ترجمه کنید بسیار مفید خواهد بود. به نظر من ترجمه کتاب را در سال ۱۳۳۸ در قم آغاز کردم و بعد از مدتی، به دلایل شخصی، از ادامه کار بازماندم و سالیانی بعد، وقتی مجموعه کامل و مجلدات پنج گانه کتاب در ۱۴۰۰ صفحه، منتشر شد که در واقع فرهنگ نامه امام علی (علیه السلام) بود، - شاید در ۱۳۴۴ - به ترجمه کتاب پرداختم که بالاخره به یاری حق این مجموعه، در عرض دو - سه سال ترجمه و به دست چاپ سپرده شد. بعد از آن، دوبار جرج جرداق را در بیروت ملاقات و یکبار هم که به دعوت جناب دکتر احمد احمدی به ایران آمده بود، چند روزی همراه وی بودم که بسیار پربار بود. من شنیده بودم که جرج جرداق از عدم پرداخت حق التالیف گله مند شده است. در تهران به او گفتم که اولاً در ایران قانون کپی رایت مطرح نیست و ثانیاً حق ترجمه بنده برای هر جلد مبلغی حدود سه هزار تومان! بوده که در جمع برای پنج جلد به ۱۵ هزار تومان رسید و این مبلغ قابل توجهی نبود که بنده تقدیم استاد کنم! و ثالثاً برای جبران مافات، ولی در واقع به عنوان هدیه یک قاللیچه ابریشمی خوب خریداری کرده‌ام که تقدیم می‌شود و سپس در حضور آقای دکتر احمدی، قاللیچه را به ایشان تقدیم کردم که به نظرم گله مندی رفع شد.

بعد از آن تاریخ هم یکی - دو بار به مناسبت‌هایی با ایشان مکاتبه داشتم که در یادداشت‌های خود درباره جرج جرداق آن‌ها را نقل کرده‌ام (البته این یادداشت‌ها هنوز به طور مستقل چاپ نشده است).

نخستین نامه شما به جرج جرداق در چه زمینه‌ای بود و پاسخ ایشان چه بود؟

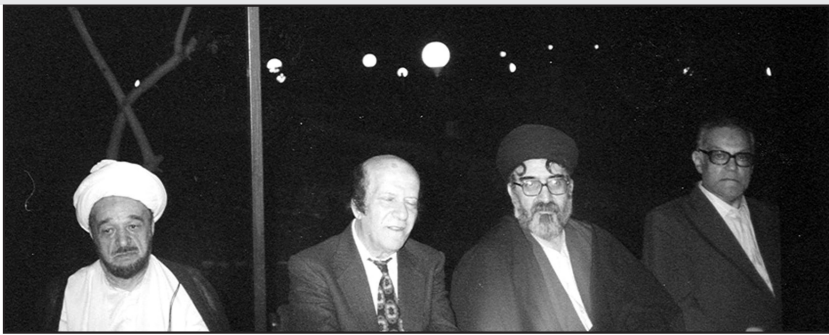
من در نامه‌ای، که متأسفانه اصل آن را ندارم ضمن تقدیر و تقدیس عملکرد و اقدام جرج جرداق در تالیف کتابی درباره امام علی (علیه السلام) از ایشان خواستم که اجازه دهد تا هر پنج جلد کتاب وی را به فارسی ترجمه کنم و هم چنین شرح حال خود را هم بفرستد تا در مقدمه ترجمه کتاب بیاورم.

جرج جرداق در پاسخ مشروحی که بخشی از آن را می‌خوانید نوشت:

«فضیله السیدهادی الخسروشاهی التبریزی المحترم السلام علیکم و رحمت الله

از احساس زیبا و حسن نظر شما، در نامه‌ای که هم اکنون پیش روی من است، سپاسگزارم. این تعریف‌ها در واقع برآمده از قلب پاک و ناشی از حُسن اخلاق خود شماست و گر نه من لایق این صفات نیستم. من اعتراف

بررسی اندیشه های انسان شناختی جرج جرداق در گفتگو با استاد خسروشاهی



از راست : دکتر شهیدی، استاد خسروشاهی، جرج جرداق، مرحوم علامه جعفری

و جور، بدون استثمار و زن‌آزاری، بدون ستم سرمایه‌داران بر دیگران و... توصیف کرده است و در این فصل تحت عنوان «صوت محمد» به چگونگی ایجاد انقلاب در جامعه منحنی عربی، در جزیره العرب می‌پردازد و سپس استمرار این تحول را که او آن را انقلاب می‌نامد، توسط امام علی (علیه السلام) پی می‌گیرد و ترسیم می‌کند.

جرج جرداق در جای جای کتاب فرهنگ‌نامه خود، نقش تعلیمات پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و نقش پیام‌ها و رهنمودهای ائمه تشیع (علیهم السلام) را در ایجاد و استمرار تحول و انقلاب بازگو و چگونگی آن را تبیین می‌کند و راه و روش امام علی (علیه السلام) را در راستای تکامل و پیشرفت این انقلاب، بررسی می‌کند. برای شناخت دیدگاه جرج جرداق درباره پیامبر اکرم اسلام، در مهد نبوت و جزیره العرب، نخست فصل سرزمین معجزه‌ها - مهد نبوت را در آغاز کتاب خود می‌آورد و سپس اهمیت و ارزش صدای محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را در باروری این حرکت و انقلاب با قلمی سحرانگیز به تصویر می‌کشد.

انگیزه جرج جرداق در اختصاص دادن دو جلد از کتاب خود به مسئله انقلاب فرانسه و هم چنین مقایسه حضرت امیر با سقراط چیست؟

در یکی - دو قرن اخیر، در محافل تاریخ‌نگاران به دو موضوع فلاسفه یونان و انقلاب فرانسه اهتمام خاصی داده شد و تالیفات بسیاری در این دو موضوع تاریخی تالیف و در اغلب کشورهای اروپایی انتشار یافت. جرج جرداق برای نشان دادن برتری اصول سیاسی اجتماعی تئوکری امام علی (علیه السلام) در قبال مبادی و مفاهیم انقلاب فرانسه یا اندیشه‌های سقراط، به مثابه شاخص فلاسفه غرب به تجزیه و تحلیل عمیق این دو موضوع می‌پردازد و در این ارزیابی خود، به خوبی برتری مبانی فکری و عملی امام (علیه السلام) را در همه زمینه‌های مورد اهتمام غربی‌ها اثبات می‌کند.

جرداق در مقایسه دستاوردهای انقلاب فرانسه - مثلاً اعلامیه حقوق بشر را با تعلیمات امام علی (علیه السلام) با استناد به متون نهج البلاغه و به وضوح روشن می‌سازد که هزار و اندی سال پیش از پیدایش انقلاب فرانسه و قبل از آن مفاهیم انسان دوستانه در فلسفه یونان، به ویژه سقراط، امام علی (علیه السلام) مبادی و اندیشه والاتر و برتری را مطرح ساخته و

می‌کنم که در بررسی شخصیت علی بن ابی طالب هم چنان قصور دام زیرا که یک نویسنده هر اندازه که کار کند و هر قدر که کوشش بنماید و به هر مقدار هم که نیرومند باشد، اگر بخواهد شخصیت یک انسان عادی را بررسی کند و به حقیقت او برسد یا عمق واقعی او را دریابد، نمی‌تواند حق مطلب را دا کند، پس چطور می‌شود درباره شخص علی بن ابی طالب یا مانند او، حق مطلب را ادا کرد؟

اجازه خواسته‌اید که هر پنج جلد کتاب مرا به فارسی ترجمه کنید. من این اجازه را به شما می‌دهم و امیدوارم که در ترجمه آن دقت لازم به عمل آید تا ترجمه کتاب، به طور کلی، از نقطه نظر موضوع و بیان، مطابق اصل کتاب باشد.

از نامه شما فهمیدم - چنان که از پیش هم اطلاع داشتم - بعضی از برادران در ایران، کتاب ملخص نخستین مرا به فارسی ترجمه کرده‌اند، ولی از جهت گوناگون در این زمینه روش خوبی را انتخاب نکرده‌اند؛ مثلاً ساده‌ترین اصول را رعایت نکرده و کتاب مرا بدون اجازه من ترجمه کرده‌اند یا اینکه حقوق تالیف و رنج و کوشش مرا در نظر نگرفته‌اند یا حتی پس از ترجمه یک نسخه از کتاب ترجمه شده را برای من نفرستاده‌اند؟

و همین‌طور متن اصلی کتاب را دگرگون ساخته و مطالبی را از آن حذف یا بر آن افزوده‌اند. در صورتی که در کشورهای متمدنی، محال است که یکی از این امور صورت پذیرد، تا چه رسد به اینکه همه آن‌ها یکجا انجام گیرد؟ اما مختصری از تاریخ زندگی من که خواسته بودید:

۱- محل تولد: جدید، مرجعین - لبنان، سال ۱۹۲۶ میلادی

۲- شغل: تدریس درباره ادبیات عرب، بررسی ادبیات اروپایی، روزنامه نگاری، نقد هنری.

۳- تالیفات: فاغزو المراه، المشردون، قصور و اکواخ، فنانون احبوا، صلاح‌الدین و قلب‌الاسد، وجوه من کرتون، غرام الالهه، اساطیر العربی، بوهیمیه، فینوس و الشاعر. همراه این نامه آخرین عکس مرا هم خواسته‌اید، برای شما می‌فرستم و اگر توضیحات بیشتری لازم باشد به من اطلاع دهید تا بلافاصله اقدام شود.

جرج جرداق «بیروت - الاشرفیه - دانشکده زهره الاحسان

پس از دریافت این نامه، به ترجمه کامل کتاب پرداختم که البته با توجه به حجم کتاب و محتوای غنی و پرمایه آن که شامل مسائل گوناگون علمی، سیاسی، تاریخی، ادبی، فلسفی و فرهنگی بود و نیاز به تحقیق و پژوهش داشت، این کار به تدریج و در طول دو - سه سال انجام گرفت و توضیحات و اضافات - که در خارج از متن اصلی نقل شده - خود یک جلد کتاب را تشکیل داده و به همین دلیل چاپ‌های نخست این ترجمه، در شش جلد منتشر شد، ولی در چاپ‌های بعدی متن اصلی، البته به طور جدا و مشخص ملحق شد.

این مجموعه که در واقع فرهنگ‌نامه امام علی (علیه السلام) است، تاکنون ۱۶ بار تجدید چاپ شده است.

جرداق، علاوه بر حضرت علی (علیه السلام) به کدامیک از شخصیت‌های عالم اسلام علاقه داشت؟ آیا مطلب یا مقاله‌ای در این باره دارد؟

جرج جرداق فصل نخستین کتاب «الامام علی (علیه السلام)» را به سرزمین نبوت و سپس صوت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) در آن اختصاص می‌دهد. او با قلمی شیوا و زیبا، نقش پیامبر اکرم اسلام حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را در ایجاد تحول و انقلابی عظیم در راستای تحقق عدال و قسط و ایجاد جامعه‌ای بدون ظلم

خواستار اجرای مبادی انسانی درباره همه انسان‌ها و کل بشریت شده است و در رهنمودی جاودانه به روشنی و صریح می‌گوید که انسان‌ها، هیچ فرقی با همدیگر ندارند، آن‌ها یا برادر دینی شما هستند یا مانند شما انسان، «إِنَّمَا أَنتَ لَکَ فِی الدِّینِ وَ إِنَّمَا تَظْلِیْلُ لَکَ فِی الْخَلْقِ» بنابراین فرقی بین انسان‌ها قائل نمی‌شود و همه حقوق بشری را درباره همه بشر خواستار می‌شود. در واقع و در یک جمله، جرج جرداق، امام علی (علیه السلام) را فقط یک فرد یا یک شخص نمی‌داند بلکه او امام علی (علیه السلام) را به مثابه یک انقلاب و یک دنیا عظمت و تفوق بر شخصیت‌هایی چون سقراط و فلاسفه یونانی می‌داند که در بررسی مفاهیم ادبیات آن‌ها، با استناد به اصول منتشر شده آن‌ها و امام، برتری را از آن تعلیم و رهنمودهای امام نشان می‌دهد. و البته نقل حتی فهرست مطالب دو جلد از کتاب وی، درباره انقلاب فرانسه و سقراط در یک گفت‌وگوی کوتاه مقدور و معقول نیست و برای دریافت حقیقت امر، باید هر دو جلد از کتاب جرج جرداق را در این رابطه به دقت مورد مطالعه قرار داد تا اهمیت موضوع روشن شود.

بررسی اوضاع جامعه عربی و سپس در عصر ما، قومیت و ناسیونالیسم عربی، از دیدگاه امام، در دو جلد دیگر از اثر ارزشمند وی نیز روشن گر حقایق بسیاری است که باز به جز مطالعه کامل آن مجلدات، درک صحیح و عمیق مسائل مقدور نخواهد بود.

شما با توجه به آشنایی طولانی مدت با جرج جرداق ویژگی‌های شخصیتی ایشان را در چه مواردی می‌دانید؟

با توجه به این نکته که جرداق یک فرد عرب و مسیحی، با باورهای خاص عقیدتی خود بود و همواره با احترام خاص از حضرت عیسی مسیح (علیه السلام) یاد می‌کرد باید این نکته را بپذیریم که جرج جرداق نکات فاخر و برجسته‌ای در رهنمودها و بیانات امام علی (علیه السلام) یافته است که در عالم انصاف نتوانسته از آن‌ها صرف نظر کند و به همین دلیل سالیانی دراز به پژوهش و تحقیق پرداخته و با مراجعه به صدها منبع و مأخذ معتبر داخلی و خارجی در همه زمینه‌های مطرح شده در کتاب، این فرهنگ‌نامه را به وجود آورده است که بی‌تردید در این حوزه، یک اثر جاودان است.

جرداق با درک تعلیم تحریف نشده عیسی مسیح (علیه السلام) و شنیدن صدای محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) در مهد نبوت و اخذ و هضم مبانی و اصول امام علی (علیه السلام) در اداره جامعه و دوری از ظلم و ستم و اجرای عدل و قسط در تمامی دنیا و برای همه انسان‌ها، با تلاشی پیگیر و خستگی‌ناپذیر به تالیف فرهنگ‌نامه امام علی (علیه السلام) پرداخت و سرانجام، با اینکه هم چنان و تا آخر عمر به عیسی مسیح باور داشت، امام علی (علیه السلام) را رهبر واقعی و معنوی خود می‌دانست و در راه تحقق آرمان‌های والای امام علی (علیه السلام) به ویژه در مسیر عدل و قسط، یک عمر کوشید و سرانجام و پس از ۸۸ سال زندگی، دار فانی را وداع گفت و بی‌تردید زحمت او در نزد خداوند متعال بی‌پاداش نخواهد بود.

جورج جرداق در کنار امام موسی صدر



مجلس بزرگداشت جرج جرداق توسط امام موسی صدر

جورج جرداق اگر چه مسیحی بود اما شدیداً به اهل‌بیت مخصوصاً امام علی (ع) علاقه‌مند بود و به همین دلیل بارها با اندیشمندان سرشناس شیعه از جمله امام موسی صدر دیدار و گفت‌وگو داشت.

او، از نظر حیات بخشیدن به واژه، در اوج زیبایی است، و از نظر جلالت تعبیر کم مانند است.

جورج جرداق با مطالعه تاریخ اسلام و تاریخ فلسفه، بخش «علی و سقراط» را می‌نگارد، و نکاتی مهم را، از زندگی انسان‌ساز، و جامعه‌پرداز، انسان‌های بزرگ یادآور می‌شود.

خوب است در اینجا اشاره کنم به شعری در مدح و ثنا گستری حضرت علی «ع»، سروده برادر بزرگتر جورج جرداق، یعنی فواد جرداق، که نویسنده، در پایان جلد پنجم صوت‌العداله آن را ذکر کرده است. و مضمون این شعر که در آن اشاره به «نهج‌البلاغه» شده است، چنان آفاق یافته است که می‌توان بعنوان ترجمه آزاد گفت:

«آیا می‌توان تصور کرد که در جامعه‌ای و در میان مردمی که «نهج‌البلاغه» وجود دارد، و آن جامعه و آن مردم، خود را معتقد به نهج‌البلاغه و صاحب نهج‌البلاغه می‌دانند، ظلم و ستم هم باشد؟ ومحرومانی از امکانات

مختلف زندگی بسر برند؟ و یتیمانی گرسنه بخوابند؟» باری، بر می‌گردیم به سخن بسیار پر معنا و پر اشاره و تاریخ‌ساز خود جورج جرداق، و خطاب درمندان و هشدارگونه او به تاریخ، که با توجه به وضع اسفبار انسان و انسانیت - در شرق و غرب- و دسترس نداشتن انسان‌ها به رهبرانی انسان دوست و عدالت گستر که می‌گوید:

«ای تاریخ!... کاش می‌شد هر از گاهی (بلکه قرنی) یک علی بن ابی طالب(ع) به بشریت قرون و اعصار تقدیم می‌کردی! تا کسی بتواند به نجات انسان، و شکوفایی انسانیت، و همه گیر شدن عدالت امیدوار شود.»

سخنان صریح استاد مجاهدی درباره مقاتل بدون پشتوانه

شب شعر عاشورایی «بر آستان اشک» با دبیری محمود حبیبی کسبیان و مهدی زنگنه با حضور حمید سبزواری، محمدعلی مجاهدی (پروانه)، مصطفی محدثی خراسانی، افشین اعلا، علیرضا معینی، محسن رضوانی، بیوک ملکی، محمد سهرابی، فاطمه نانی‌زاد و جمعی از شعرا و مداحان اهل بیت (ع) در فرهنگسرای اندیشه در مدح و رثای حضرت ام‌البنین (س) برگزار شد. استاد محمدعلی مجاهدی در این مراسم طی سخنانی گفت: یکی از منابعی که در اختیار هر مورخ، ادیب و نویسنده‌ای است مقاتلی است که نوشته شده است. متأسفانه بیش از ۹۰ درصد مقاتلی که در مورد عاشورا نگاشته شده مبتنی بر مطالب بدون پشتوانه تاریخی است که برای آنها نمی‌توان سند تاریخی ارائه کرد.

وی افزود: زبان حال‌سرایی یک گونه‌ای از شعر عاشورایی است که در اینگونه تحریفاتی نیز رخ می‌دهد. شاعر گاهی خود را در جایگاه یک انسان عادی قرار می‌دهد و زبان حال وی را می‌سراید که خب در این موضوع حرفی نیست ولی گاهی شاعر خود را در مقام شخصیتی چون حضرت اباعبدالله (ع) می‌گذارد و می‌خواهد از زبان حال ایشان شعر بگوید که به نظرم اینگونه یک حالت تزکیه نفس می‌خواهد. دشمن هم از این نقطه ورود کرده و ضربه‌هایش را بر فرهنگ تشیع وارد آورده است.

این شاعر آیینی گفت: ما شاهدیم که از فردای عاشورا دشمن در جریان تحریف و سود بردن از منابع اسلامی برای ضربه زدن به جریان عاشورا استفاده کرده است. ترفندی که دشمن از آن استفاده کرد همین حربه زبان حال‌سرایی است و اگر دشمن بخواهد از این حربه استفاده کند هیچ محدودیتی برای خودش قائل نیست.

وی ادامه داد: گزارش‌هایی در برخی مقاتل وجود دارد که از اساس دروغ است و می‌خواهند نشان دهند که امام حسین (ع) می‌خواست سازش کند اما یادم‌ان نرود که حسین اهل سازش نبود. روضه‌الشهدا مقتلی است که بر اساس زبان حال‌نویسی تدوین شده و بعد از وی فکر کردند که اینها سند دارد ولی تماشش زبان حال است. حقیقت خون حسینی اگر تمام عالم نیز همدست شوند از بین نخواهد رفت و تجلی دارد. وی بعد از سخنانش که به مذاق برخی خوش نیامد، قطعه شعری برای حضار قرائت کرد:

امروز اگر گم نکنی فاصله‌ها را
فرداست که پیدا نکنی قافله‌ها را
عشق است دلیل ره مردان بلاکش
بی‌خضر به پایان نبری مرحله‌ها را
گر همسفر قافله کرب و بلاپی
بردار به آهی ز میان فاصله‌ها را
هنگام رحیل آمده انگار که زینب
می‌شمارد تمام راحله‌ها را
شیون ز دل قافله‌ها برخاست
چون بستند به گردن همه سلسله‌ها را
از بانگ نهیب تو جرس از نفس افتاد
وقت است که خاموش کنی لهله‌ها را

استاد حکیمی: کتاب جورج جرداق کاملترین کتاب بعد از «الغدير» است



در خور بگویم، قلم خود را و بیان شگرفتان را به من عاریه بدهید، تا حق سخن ادا شود.

مرحوم علامه جعفری نیز تقریظی عمیق بر کتاب «صوت‌العداله» نوشته‌اند. کتاب در چاپ بیروت، در ۵ جلد، سال‌ها پیش انتشار یافته است. و نه اینکه در این کتاب حق امام علی بن ابی طالب «ع»، کامل و تمام ادا شده باشد، امام جورج جرداق، کاملترین و تمام‌ترین کتاب را - بعد از کتاب «الغدير» - نوشته است.

در پایان جلد پنجم که مولف مرحوم، تقریظ‌های دانشمندان کشورهای مختلف را درج کرده است، (از سنی و شیعه و مسیحی)، تقریظ علامه جعفری را نیز آورده است. فکر پر آفاق نویسنده، و قلم سیال او، و واژگان بسیار سرشار او، و تعبیرات سحرآفرین کتاب، باعث شده است تا کتاب «صوت‌العداله»؛ به نام یکی از بی‌نظیرترین کتاب‌ها، - در بلاغت عربی- یاد شود.

زبان عرب، زبان بلاغت است. در زبان عربی شعر و خطابه و نامه و کتاب، همه آثاری پر ارج و پر آفاق فراوان است، اما صوت‌العداله در میان آن همه آثار، درخششی چشمگیر دارد. جورج جرداق نمی‌نویسد، بلکه تصویر می‌آفریند، و تابلو می‌سازد و از رسالت واژه و تعبیر، به سرشاری استفاده می‌کند.

همانگونه که امام علی «ع» به زندگی، حیات بخشید،

مراسم «غواص بحر معنا» به یاد نویسنده و شاعر بنام لبنان، جورج جرداق، در سالن همایش‌های مجموعه فرهنگی شهدای انقلاب اسلامی و با حضور جمعی از نخبگان ایرانی و لبنانی برگزار شد.

این مراسم با هدف بزرگداشت جایگاه این نویسنده و شاعر مسیحی که به واقع از علاقمندان به شخصیت والای حضرت علی علیه‌السلام بود، برگزار شد. جورج جرداق ۳۰ جلد کتاب تالیف کرده‌است که مهمترین اثر وی که به فارسی هم ترجمه شده‌است «الامام علی صوت‌العداله الانسانیه» در ۵ جلد با عناوین ذیل منتشر شده است: «علی و حقوق بشر»، «علی و انقلاب فرانسه»، «علی و سقراط»، «علی و دوران زندگانی‌اش» و «علی و قومیت عربی».

در این مراسم پیام علامه محمدرضا حکیمی برای این مراسم توسط حجت‌الاسلام محمدرضا زائری قرائت شد که در ذیل منتشر می‌شود:

مرزبان بزرگ تشیع، مرحوم علامه مجاهد، سید عبدالحسین شرف‌الدین عاملی، صاحب کتاب گرانسنگ «المراجعات» که مشتمل بر نامه‌هایی است رد و بدل شده، میان ایشان و رئیس اسبق الازهر، جناب شیخ سلیم بشری... و سرانجام شیخ ازهر، در آخرین نامه خود(نامه ۱۱۱)، تصریح می‌کند که کسانی مطلب نادرست درباره شیعه می‌گفتند، ولی تو مرا از حقیقت مذهب شیعه مطلع کردی. مذهبی گرفته شده از پیامبر «ص» و اهل بیت «ع» و تو سبب راهیابی من به حقیقت شدی...

باری، علامه مجاهد و مرزبان، سید شرف‌الدین عاملی در نامه‌ای تقریظ‌گونه، به مرحوم استاد بزرگ جورج جرداق، درباره کتاب او، در شرح شخصیت حضرت امام امیرالمومنین علی -علیه‌السلام- خطاب به او به این مضمون می‌گوید: «اگر می‌خواهید درباره اهمیت و ارزش کتاب «الامام علی صوت‌العداله الانسانیه» سخنی

اقبال لاهوری معتقد بود برای رستگاری باید خود را وقف اهل بیت (علیهم‌السلام) کنیم

مهر: مرکز تحقیقات امام علی (ع) بیست و هشتمین نشست علمی خود با عنوان «امیرالمومنین (ع) در اشعار اقبال لاهوری» را سوم آذرماه با سخنرانی پروفسور افتخار حسین عارف رئیس موسسه فرهنگی اکو و اندیشمند پاکستانی در تالار اندیشه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار کرد.

عارف با اشاره پژوهش‌های اسلام‌شناسی در دهه دوم قرن ۲۱ و پیدایش دو نقطه عطف در آن گفت: یکی از نقاط عطف تحول در حوزه ادبیات بوده است. در این حوزه دو جریان مهم اتفاق افتاد که نخستین آن پیدایش جریان مدرنیسم بود و نمونه‌های بارز آن ویرجینیا وولف، تی. اس. الیوت و جویس و در کشور ایران به نیما یوشیج است.

وی ادامه داد: نهضت دوم در حوزه ادبیات با عنوان «پیشرفت» نمونه‌های شاخصی مانند ماکسیم گورکی داشت. نهضت مدرنیسم در سال ۱۹۱۴ و نهضت پیشرفت در سال ۱۹۱۷ آغاز شد. از نمونه‌های دیگر نهضت پیشرفت ناظم حکمت و پاپلو نرودا در خارج از کشور و در ایران احمد شاملو بود.

رئیس موسسه فرهنگی اکو با بیان اینکه هیچ یک از این نهضت‌ها به شعری که از طریق مذهبی می‌خواستند احساساتشان را نشان دهند توجهی نداشت گفت: در این میان شاعری مانند شهریار مورد توجه قرار نگرفت، با این وجود شاعری که هر دوی این نهضت‌ها را کنار گذاشت و تلاش کرد از طریق مذهب احساساتش را بیان کند اقبال لاهوری بود. او مغرب زمین را تحلیل کرد و اندیشه آن را کنار گذاشت و سعی کرد مسیر دیگری را در پیش بگیرد.

وی تأکید کرد: اقبال در اشعارش می‌گوید که تحت تاثیر غرب قرار نگرفته و مبهوت دانش فرنگ نشده، بلکه از خاک مدینه و نجف الهام گرفته و آن را سورمه چشم خود کرده است. اقبال لاهوری فیلسوف، شاعر، و اصلاح‌طلبی بود که معتقد به مذهب بود.

وی با اشاره به اینکه اسلام و قرآن، الهام بخش اشعار اقبال لاهوری بوده تصریح کرد: هدف اصلی اقبال زنده کردن جوامع اسلامی براساس آیین اسلام بود. اشعار او نیز مسائل عمده دوره‌ای که او در آن زندگی می‌کرده را شامل می‌شد. همزمان با دوره اقبال لاهوری مورخانی مانند مارکس و وبر درباره مشکلات اجتماعی نظریاتی را مطرح می‌کردند. در آن زمان دو گروه محقق وجود داشتند که گروه نخست اسلام‌گرایانی بودند که به اصول اسلامی پایبند بودند و گروه دوم نیز دانشمند غربی که می‌خواستند به صورت علمی به مسائل نگاه کنند.

رئیس موسسه فرهنگی اکو، در ایران افرادی مانند دکتر علی شریعتی جوهر فکری مغرب‌زمین را درک کردند و سعی کردند مسائل اسلامی را در آن چهارچوب قرار بدهند. شریعتی در آن دوره تحت تاثیر کارهای اقبال لاهوری قرار گرفت و حتی یک کتاب با عنوان «ما و اقبال» نوشت. همچنین کتاب «فاطمه فاطمه است» شریعتی بسیار تحت تأثیر نظریات اقبال بوده که نمونه بارزش مجموعه شعری است که اقبال لاهوری درباره حضرت فاطمه(س) سروده است.

وی گفت: در تاریخ اسلام شعرای بسیاری به زبان عربی مانند دعبل خزاعی، حسن بن ثابت، ابراهیم زبیر و ... درباره ائمه اطهار (ع) شعر سروده‌اند. تعداد بسیاری از شعرهای فارسی زبان نیز درباره اهل بیت سروده شده که از مشهورترین آن می‌توان به ترجیع‌بند محتشم کاشانی درباره امام حسین(ع) اشاره کرد.

عارف با اشاره به این که در قرن بیستم اشعار بسیاری درباره امیرالمومنین و امام حسین (ع) سروده شده است گفت: شهریار از جمله شاعرانی بوده که در این زمینه اشعار مشهوری داشته است. اقبال لاهوری هم درباره امیرالمومنین (ع) اشعار فارسی بسیاری داشته و شعرهای فارسی او بسیار بیشتر از شعرهایش به زبان اردو است.

وی ادامه داد: اقبال از زبان فارسی بیشتر استفاده کرد چون می‌خواست جمعیت بزرگتری از جهان اسلام بتواند اشعارش را بخواند. در آن دوره زبان فارسی در شبه قاره هند، آسیای میانه و کشورهای مختلف رواج داشت. در واقع از زمانی که مسلمان به شبه قاره هند پا گذاشتند زبان فارسی، زبان درباری و اشراف بوده است.

وی تأکید کرد: نگارش درباره اهل بیت (ع) به زبان فارسی در شبه قاره هند بسیار رواج داشته و به طور مثال امیرخسرو دهلوی اشعار بسیاری درباره امیرالمومنین سروده است. عثمان مروندی نیز از دیگر شعرائی است که درباره امیرالمومنین (ع) شعر سروده است.

عارف در بخش دیگری از سخنانش اظهار کرد: نظر جدی اقبال لاهوری این بود که اگر می‌خواهیم در جهان به رستگاری برسیم باید خودمان را وقف اهل بیت (ع) و پیامبر کنیم.

رئیس موسسه فرهنگی اکو با اشاره به مجموعه شعر اقبال درباره حضرت فاطمه (س) گفت: اگرچه اقبال لاهوری اهل تسنن بوده اما مجموعه شعری درباره حضرت فاطمه (س) دارد و به نظر می‌رسد که از حدیث کساء برای سرودن آن الهام گرفته و در این اشعار حضرت فاطمه (س) محوریت قرار دارد و در ادامه پیامبر اکرم (ص)، حضرت علی (ع) و فرزندان او توصیف می‌شود.

ادامه از صفحه اول

رئیس دفتر مقام معظم رهبری به پدیده زشت و نفرت‌انگیز داعش اشاره کرد و گفت: قطعا و یقینا، این گروه‌ها سر در آخور آمریکا و رژیم صهیونیستی دارند و دلایل روشنی در این زمینه وجود دارد.

وی افزود: اگر فتوای یک مرجع تقلید یعنی آیت‌الله سیستانی که جهاد را واجب کفایی اعلام کرد وجود نداشت، بعید بود که بغداد و کربلایی باقی می‌ماند؛ بعد از این فتوا بود که سیل عظیم معتقدان به علما و روحانیون و مراجع تقلید حرکت کردند و به مبارزه با داعش پرداختند به طوری که همان زمان اعلام شد بیش از یک میلیون نفر اعلام آمادگی کرده‌اند.

رئیس دفتر رهبر معظم انقلاب با اشاره به وحشی‌گری‌های تکفیری‌ها و داعش در سوریه و عراق بیان کرد: در حقیقت آنها می‌خواهند به جهانیان بگویند اسلام یعنی خشونت و وحشی‌گری؛ تخریب مقبره حجر بن عدی در سوریه نیز نشان می‌دهد ریشه تکفیری‌ها را باید در خوارج صدر اسلام جستجو کرد.

علمای دینی در زمان غیبت هدایت‌گران امت هستند

دبیر شورای عالی حوزه علمیه سخنران بعدی بود که اظهار کرد: در زمان غیبت، علما و آگاهان به علوم اهل بیت(ع)، مرجعیت و ملجأ بودن برای امت اسلامی را بر عهده گرفتند.

آیت‌الله مرتضی مقتدایی افزود: این بزرگان و علما در زمان‌های مختلف توانستند با تالیفات و بیانات خود و همچنین مراد و ملاقات با مردم، دین را حفظ کرده و امت را به سمت دین الهی سوق دهند.

دبیر شورای عالی حوزه‌های علمیه با بیان اینکه بر اساس احادیث اهل بیت(ع) بقای دین به واسطه فداکاری‌ها و تلاش‌های علما است، گفت: آیت‌الله

آصفی از جمله مصادیق این روایت محسوب می‌شود. وی ادامه داد: این عالم برجسته و مجاهد فی سبیل‌الله، مدت‌های مدید در حوزه‌های علمیه قم و نجف و با هدف تحصیل علوم دینی و رسیدن به درجه اجتهاد تلاش داشت و محضر استادی همچون آیات حکیم، خویی، هادی شیرازی و امام راحل را درک کرد. آیت‌الله مقتدایی با بیان اینکه آیت‌الله آصفی توانست شاگردان عالم و فاضلی را تربیت کند، خاطرنشان کرد: او همچنین تالیفات گرانها و فراوانی دارد که چندین بار چاپ شده‌اند و همچنین به زبان‌های دیگر هم ترجمه‌هایی از آنها صورت گرفته است.

دبیر شورای عالی حوزه‌های علمیه عنوان کرد: مسواری که ذکر شد برخی از برکاتی هستند که به واسطه این شخصیت حوزوی موجب بقای اسلام و حفظ تشیع شده‌اند.

وی با بیان اینکه آیت‌الله آصفی یکی از مدافعان جدی و همراهان امام خمینی(ره) در جریان نهضت اسلامی بود گفت: همچنین نباید از نقش فعالیت‌های علمی او که موجب تبیین فلسفه جمهوری اسلامی و معرفی نظام به جهانیان شد غفلت کنیم.

آیت‌الله مقتدایی در ادامه به فروتنی و تواضع آیت‌الله آصفی اشاره و ابراز کرد: از دیگر خصوصیات او می‌توان زهد و تقوا را برشمرد که در عین تحصیلات دینی و علمی و فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی، زندگی طلبگی در حد متوسط را حفظ کرد.

دبیر شورای عالی حوزه‌های علمیه افزود: کنگره‌ای که امروز برگزار شده تجلیل از یک شخص نیست بلکه تکریم معنویت، ایمان و زهد بوده و علاوه بر این تشویقی برای طلاب حوزوی نیز خواهد بود.

علم بالاترین مقامی است که برای انسان در نظر گرفته شده است

دبیرکل مجمع جهانی اهل بیت(ع) در ادامه به سخنرانی پرداخت و اظهار کرد: تکریم، تقدیر و تجلیل

از علما و دانشمندان، تقدیر و تکریم پیامبر بزرگ اسلام(ص) و پیشوایان معصوم(ع) است.

آیت‌الله حسن اختری افزود: علما ورثه ائمه اطهار(ع) و پیامبران هستند و چون امینان رسل محسوب می‌شوند، وقتی مسئولیت خود را به خوبی انجام دادند، تکریم از آنان تکریم از شخص پیامبر خواهد بود.

دبیرکل مجمع جهانی اهل بیت(ع) با بیان اینکه اینگونه تجلیل‌ها، در حقیقت تجلیل از مقام علم و آگاهی است گفت: علم بالاترین مقامی است که خداوند برای انسان‌ها خواسته است و علت سجده فرشتگان برای آدم نیز، علم بوده است.

وی ادامه داد: از دیگر خصوصیات آیت‌الله آصفی می‌توان به تقوای فراوان و زهد او اشاره کرد؛ زندگی ساده‌ای که در تمام طول عمر و حتی امروز در نجف اشرف دارد مثال‌زدنی است.

آقای اختری مسئولیت‌های سنگینی که آیت‌الله آصفی در طول سالیان گذشته عهده‌دار آنها بوده را مورد توجه قرار داد و خاطرنشان کرد: از جمله این مسئولیت‌ها می‌توان به عضویت در شورای عالی انقلاب عراق اشاره کرد.

وی با اشاره به تبلیغ دین به عنوان یکی از مسئولیت‌ها و وظایف همیشگی طلاب علوم دینی عنوان کرد: تبلیغ، مسئولیت پیامبران بوده و عالمان دین هم همین وظیفه را بر عهده دارند به همین دلیل آیت‌الله آصفی حتی برای یک لحظه تبلیغ را رها نکرده است.

وی با بیان اینکه آیت‌الله آصفی به بسیاری از کشورها برای تبلیغ دین اسلام سفر کرده است افزود: سخنران‌ها، صاحب‌ها و تدریس‌های فراوانی از سوی این شخصیت برجسته در همین راه صورت گرفته است. دبیرکل مجمع جهانی اهل بیت(ع) گفت: فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی، کاری اساسی و دینی محسوب می‌شود که پیامبران و ائمه اطهار(ع) به آن اهتمام داشته‌اند و آیت‌الله آصفی به این مقولات توجه فراوانی داشت.

وی با اشاره به انسجام فکری آیت‌الله آصفی در همه دوره‌های زندگی بیان کرد: آقایان در عراق این را تشخیص دادند که با توجه به سقوط عراق در جریان کمونیستی، باید حکومت تشکیل شود و این امر بدون تبلیغ و اطلاع‌رسانی کافی میسر نمی‌شود؛ آیت‌الله آصفی در آن زمان وارد حزب الدعوه شد و علاوه بر این سیاست را هم دنبال کرد و با دولت وقت و جنایتکار بعثی عراق به مبارزه برخاست.

آقای اختری افزود: تداوم مبارزات آیت‌الله آصفی را شاهد بودیم تا زمانی که امام خمینی(ره) در نجف، بحث حکومت اسلامی را مطرح فرمودند و همگان به ایشان گرویدند.

دبیرکل مجمع جهانی اهل بیت(ع) تصریح کرد: بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، حزب الدعوه اعلام کرد ما هم به دنبال تشکیل حکومت دینی هستیم و انقلاب را الگو قرار می‌دهیم.

وی با اشاره به موضع‌گیری‌ها و بیانیه‌های روشن و شفاف آیت‌الله آصفی در هر قضیه‌ای مانند قضایای فلسطین، هجمه به تشیع، داعش و ... و کنار گذاشته ملاحظات از سوی او گفت: در حقیقت آیت‌الله آصفی در هر شرایطی، به تبیین صحیح دین اسلام و مذهب تشیع پرداخته است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رمز موفقیت جهان اسلام هستند

در انتها نیز از آیت‌الله آصفی دعوت به عمل آمد تا در کنگره‌ای که برای بزرگداشت شخصیت علمی او برگزار شده بود به ایراد سخن بپردازد.

آیت‌الله محمدمهدی آصفی اظهار کرد: من خود را عبرتی برای جوانان می‌دانم که در طول عمر خود

برگزاری کنگره آیت‌الله آصفی (اسوه زهد، جهاد و اجتهاد)

طور گسترده شامل حال ایشان بوده و امیدواریم همچنان موفق بماند. بار دیگر از حمایت دست‌اندرکاران تشکر می‌کنم و حضور شما عزیزان را سپاس می‌گویم و همه شما را به خداوند بزرگ می‌سپارم.

آرای آیت‌الله آصفی ضامن مدیریت جامعه امروز است

پیام بعدی نیز متعلق به حضرت آیت‌الله سبحانی بود، در بخشی از پیام آمده است:

درباره هر موضوعی شاید شک و تردید رخ دهد، ولی عظمت مقام علم و دانش جایگاه شک نیست؛ چرا که اگر دانش بشری در جامعه نبود، زندگی به صورت عهد حجری استمرار می‌یافت و انسان در شیوه زندگی گامی به پیش نمی‌نهاد؛ شاید به همین خاطر است که قرآن یکسان بودن عالم و جاهل را به صورت تعجبی مطرح می‌کند: سرچشمه دانش‌های بشری تلاش‌های شبانه‌روزی شخصیت‌های بلند همتی است که در بهره‌گیری از خواب و خوراک به مقدار ضرورت بسنده نموده و از دیگر لذایذ زندگی چشم پوشیده تا توانسته‌اند جامعه انسانی را به مقام والایی برسانند و خویش را به مقام برتر از عنقا ببرند.

وی در ادامه با بیان اینکه تکریم از عالمان بزرگ و اثرگذار گذشته در حقیقت تکریم از مقام علم و دانش است، آورده است: این کار یک فریضه اخلاقی و اجتماعی به شمار می‌آید که در هر زمان باید مطابق مقتضیات آن انجام گیرد؛ این فضای روحانی و علمی که امروز به عنوان بزرگداشت یکی از اندیشمندان حوزه‌های علمیه پدید آمده است در جامعه کاملاً اثرگذار است و سبب می‌شود که نسل جوان پیش‌تاز راه علم و دانش گردد و سرانجام افق‌های تازه‌ای را بگشاید و فقر علمی را بزداورد، چرا که با چشم خود می‌بیند جامعه نسبت به طبقه اندیشمند ارزش والایی قائل است.

در ادامه پیام آیت‌الله سبحانی آمده است: قهرمان گفتار ما یعنی حضرت آیت‌الله حاج شیخ محمدمهدی آصفی همچون منشور چند پهلوی ابعاد و جوانب گوناگونی است که تحلیل هر یک از آن جوانب برای خود مجال خاصی می‌طلبد؛ ایشان در قلمرو فقه و فقهات بالاخص مسائل مربوط به حکومت اسلامی و یا حقوق زنان توانسته است طرح‌های خوبی را ارائه کند و به یک رشته از پرسش‌ها پاسخ محکم دهد و در عین اینکه آرا و نظریات او ضامن مدیریت جامعه امروز است، ولی از حدود کتاب، سنت و اجتماع فقیهان بیرون نمی‌رود و سیمای روشنی که چکیده فقه پویا است از حکومت اسلامی و حقوق زن ارائه می‌نماید.

این مرجع تقلید تصریح کرده است: آیت‌الله آصفی در تبیین مسائل عقیدتی بالاخص موضوع مربوط به پیشوایی پس از رحلت پیامبر(ص) با بیان شیوایی تنصیصی بودن مقام ولایت را با شرایط آن زمان منطبق می‌سازد و با یک محاسبه اجتماعی ثابت می‌کند که جز این راه، راه دیگری تضمین‌کننده منافع اسلام و مسلمانان نیست؛ ایشان در عین فراگیری فقه، کلام و فلسفه از تفسیر قرآن باز نمانده و تفسیر موضوعی او به نام «فی رحاب القرآن» در ۱۴ جلد گواه بر احاطه او بر بسیاری از نکات آیات است؛ ایشان با بودن در سنگر تالیف و تدریس در قلمرو مبارزه با طاغوتیان، حزب بعث و اذئاب آن پیش‌تاز بوده و در حد بذل پیش رفته است.

رونمایی از مجموعه آثار آیت‌الله آصفی

در پایان این همایش لوح تقدیری از سوی مجامع مختلف حوزوی و دینی به این استاد برجسته حوزه علمیه نجف اشرف اعطا شد.

رونمایی از مجموعه آثار آیت‌الله آصفی شامل بیش از ۲۰۰ مورد از مکتوبات او در قالب ۳۱ جلد کتاب از دیگر بخش‌های کنگره بود.

کنگره اسوه زهد، جهاد و اجتهاد

بررسی شخصیت، اندیشه و آثار
آیت‌الله محمد مهدی آصفی
۱۳۹۳ / ۴ / ۲۳

مؤتمر اسوه الزهد والجهاد والاجتهاد
الشیخ آية الله محمد مهدی الآصفی
فرماندها / مرکز معارف ۱۳۹۳

طوری رفتار نکنند که در سال‌های پیری حسرت نخورند زیرا احساس می‌کنم آنچه باید را انجام نداده‌ام. وی افزود: خود را امروز در نزدیکی مرگ می‌بینم و جز کالای امید به کرم و غفو الهی، سرمایه دیگری ندارم.

استاد برجسته حوزه علمیه با بیان اینکه امیدواریم به لطف الهی است، گفت: موفقیت‌ها آنقدر مهم هستند که جوانان امروز، کار را از ابتدا شروع نکنند بلکه ادامه کارهای گذشتگان را انجام دهند و ناکامی‌ها هم مفید هستند به آن دلیل که دیگر تکرار اشتباهات صورت نگیرد.

وی ادامه داد: هر خطایی که شخصی روحانی انجام دهد تبعات سنگینی برای جامعه در پی خواهد داشت و موجب تنش و مشکلات فراوان خواهد شد به همین دلیل روحانیون جوان نیاز دارند در چنین جلساتی حضور داشته باشند و ناکامی‌ها و موفقیت‌ها را ببینند.

آیت‌الله آصفی با تأکید بر استفاده طلاب جوان از تجربیات گذشتگان تصریح کرد: بهتر است قبل از آنکه قضاوت را به تاریخ واگذار کنیم، خودمان در مقابل افراد معاصر مسائل را مطرح کنیم و به ارزیابی آنها بپردازیم و این امر بسیار مفید است به شرطی که دو سویه باشد یعنی ناکامی‌ها و موفقیت‌ها در کنار هم گفته شود.

نماینده رهبر معظم انقلاب در حوزه علمیه نجف گفت: امروز با جبهش‌های تاریخی مختلفی مواجه هستیم و لازم است روحانیت شیعه، در این جریان‌ها حضور داشته باشند و جبهش‌های متقابلی را سبب شوند. وی با تشکر از همه دست‌اندرکاران کنگره حاضر خاطرنشان کرد: خداوند بهترین نعمت‌دهندگان است و امید دارم در صورتی که قصوری در تشکر از همه حاضران داشته باشم، بهترین جزاها را نصیب آنان کند. آیت‌الله آصفی رهبر معظم انقلاب را رمز موفقیت و وحدت در جهان اسلام دانست و گفت: امیدواریم خداوند به ایشان طول عمر عنایت فرماید. در این کنگره همچنین پیام دو نفر از مراجع تقلید هم قرائت شد.

آیت‌الله آصفی دنبال «نام» و «نشان» نبود

نخستین پیام توسط حضرت آیت‌الله مکارم‌شیرازی صادر شده بود، در بخشی از پیام آمده است:

قبل از هر چیز تشکیل این همایش را که برای بزرگداشت یکی از چهره‌های مخلص و اثرگذار روحانیت شیعه انجام شده، به همه شما عزیزان و همه دست‌اندرکاران تبریک می‌گویم؛ جناب آیت‌الله آصفی را سال‌هاست می‌شناسم، مردی است عالم و دانشمند و وارسته و صاحب افکار معتدل. از محضر بسیاری از بزرگان قم و نجف بهره‌مند شده و صاحب تالیفات فراوان و پرمغز و پرمعناست.

این مرجع تقلید در ادامه پیام خود آورده است: از ویژگی‌های ایشان جامعیت علمی است، به شهادت تالیفات ایشان که هم فقهی و تفسیری است هم ولایی و اخلاقی است.

در مسائل سیاسی بحمدالله صاحب نظر و در مسائل اجتماعی و خدمت به محرومان دارای فعالیت‌های چشمگیر و از نظر اخلاقی دارای تواضع و دنبال نام و نشان نبودن و زندگی ساده است.

در خاتمه این پیام آمده است: توفیقات الهی به

سنت بودند؛ ۲درصد مسیحی و ۱۴ درصد شیعه و سایرین از اهل سنت کشته شدند؛ بعد از آن همه عراقی‌ها اعم از شیعه و سنی با یکدیگر متحد شدند تا با داعش مبارزه کنند و ارتش عراق و گروه‌های مردمی به یکدیگر پیوستند، مطمئن باشید تکفیری‌ها به هیچ‌کس رحم نمی‌کنند و هیچ مذهبی از دست آنها در امان نخواهد بود.

وزیر امور خارجه عراق با بیان اینکه حضرت محمد(ص) به وسیله اخلاق نیکو و محبت به مردم در دل‌های آنها جا یافت، اظهار داشت: این ویژگی سبب شد ایشان در میان همه مردم، محبوب باشند.

وی با اشاره به برتری نبی مکرم اسلام (ص) در همه زمینه‌ها افزود: با این حال خداوند در قرآن، اخلاق حسنه ایشان را به عنوان خصوصیت برتر ذکر کرده است.

وزیر امور خارجه عراق اضافه کرد: برای یافتن راهکارهای صحیح مقابله با تکفیری‌ها ابتدا باید به شناخت صحیحی از آنها برسیم زیرا آنها همه را به نام اسلامی جعلی تهدید می‌کنند.

الجعفری با بیان اینکه قرآن کریم بارها متذکر شده مومنان کسانی هستند که وقتی آیات الهی را می‌شنوند قلب‌هایشان جذب می‌شود، ادامه داد: این تاثیرگذاری سبب می‌شود بر ایمان مومنان افزوده شود.

الجعفری گفت: همه چیز از قلب آغاز شده و همه بر روی این مسئله اتفاق نظر دارند که اگر قلب آدمی تاثیر

بپذیرد، ایمان هم تقویت می‌شود.

وزیر امور خارجه عراق اضافه کرد: مومنان بر خداوند توکل می‌کنند و شخصیت آنها هم بر سه عنصر پایه‌گذاری شده که در درون انسان هستند ولی خداوند

دو عنصر بیرونی را هم معرفی می‌کند.

وی افزود: نخستین مورد، اقامه نماز که البته فقط به معنای نماز خواندن ظاهری نیست بلکه اقامه نمازی که موجب امر به معروف و نهی از منکر می‌شود و نیز دومین

عنصر، انفاق از روزی‌هایی که به آنها عطا شده است.

وزیر امور خارجه عراق گفت: دومین نکته‌ای که باید مدنظر قرارداد، جامعه‌گرایی است؛ خداوند انسان‌ها را به گونه‌های مختلف آفریده و در قرآن این موضوع را مورد توجه قرار داده است که همه از یک زن و مرد آفریده شده‌اند بنابراین تنوع در دیدگاه‌ها و نژادها، مسئله‌ای طبیعی است و اشکالی ندارد بلکه برای شناخت و آشنایی بیشتر انسان‌ها تنوع ایجاد شده نه برای کشتن و به قتل رساندن دیگران.

وی با بیان اینکه مذاهب اسلامی بر اساس اجتهاد علمای مختلف سامان یافته‌اند، گفت: در قرآن کریم بیش از ۶۰۰۰ آیه وجود دارد که مسلمانان در آنها اختلافی ندارند؛ قبله و دیگر احکام از جمله مشترکات مسلمانان هستند بنابراین نباید در امور دیگر هم اختلاف کرد.

الجعفری اضافه کرد: مسائل مشترک فراوانی میان مسلمانان وجود دارد که سوال اینجاست که چرا این امور به عنوان اصل، در مقابل اختلافات قرار نمی‌گیرند تا از ریخته شدن خون مسلمانان جلوگیری شود؟ فرهنگ تروریسم و تکفیر، فرهنگی است که به دلیل اختلافات کوچک، خون و مال دیگر مسلمانان را مباح می‌داند و زمینه‌ساز ظهور گروهی مانند «داعش» شده است.

فتوای تکفیری‌ها را قبول نداریم

امام جمعه اهل سنت چابهار در سخنانی در این کنگره تاکید کرد: صدور فتوا از سوی تکفیری‌ها را قبول نداریم و آنها را محکوم می‌کنیم. مولوی سید الرحمن سربازی افزود: آنچه موجب می‌شود انسان‌ها هر جنایتی مرتکب شوند، شهوت و دنیا دوستی است.

وی افزود: وحدت امری لازم برای امت‌هاست ولی آمریکا و انگلیس به وسیله ابزارهای گوناگون، وحدت میان مسلمانان را خدشه‌دار کردند تا بتوانند کشورهای اسلامی را چندپاره کنند.

وی با بیان این که رهبری شایسته در مسائل سیاسی داریم که همه پیرو او هستیم، افزود: تلاش ما این است که به سخنان ایشان گوش فرا دهیم و عمل کنیم؛ فتاوای تکفیری‌ها محکوم و حرام است و اعتقادی به آنها نداریم.

کنگره جهانی جریان های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام

وی ادامه داد: جریان تکفیری، ضربه به اسلام و مسلمین و بشریت می‌زند و اگر توجه شود علمای یهود و مسیحی نیز باید در چنین همایش‌هایی شرکت کنند، چرا که تکفیری‌ها برای هیچ چیز ارزش قائل نیستند، مردم بی‌گناه را می‌کشند به نوامیس مردم تجاوز می‌کنند.

دبیر شورای نگهبان افزود: جهان سیاست احساس خطر کردند که اسلام در حال گسترش است و این برنامه را به هم ریخته تا از هر جای ممکن ضربه بزنند و مسلمین را به جان هم بیاندازند برای اینکه بیداری اسلامی نتیجه خودش را ندهد و مردم از اسلام بیزار شوند.

وی اضافه کرد: بر همه مسلمانان است که در برابر تروریست‌ها مقاومت کنند، کار فرهنگی کنند، عده‌ای از جوانان فریب تبلیغات تکفیری‌ها را خورده‌اند و حرکت خود را جهاد در راه خدا می‌دانند و جان خود را در این راه می‌دهند به خیال اینکه شهید می‌شوند.

آیت‌الله جنتی تاکید کرد: سران آنها با دلیل و منطق کار نمی‌کنند و باید در برابر آنها اقدام عملی کرد.

چهره واقعی تکفیری‌ها

دبیر کنگره بین‌المللی خطر جریان‌های تکفیری گفت: این کنگره دو روزه سعی دارد با اجتماع و اتفاق نظر علمای جهان اسلام، چهره واقعی تکفیری‌ها را به جهان‌نیان بشناساند و راهکارهای مقابله صحیح با آنها را نشان دهد. حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمهدی علیزاده موسوی در مراسم افتتاحیه این کنگره افزود: کتابی با عنوان «کارشناسی تکفیری» شامل معرفی و شرح توصیفی از ۳۰۰ کتابی که در بیان حقیقت جریان‌های تکفیری نوشته شده منتشر شده است.

وی افزود: در طول چند سال گذشته شاهد جنایات گسترده‌ای از سوی تکفیری‌ها در گوشه و کنار جهان اسلام بوده‌ایم که این کنگره درصدد معرفی چهره واقعی آنها به همه مردم دنیاست.

دبیر کنگره بین‌المللی خطر جریان‌های تکفیری با بیان اینکه صدها نفر از علما و کارشناسان جهان اسلام در این کنگره شرکت دارند، گفت: سه پیش‌نشت در خارج از کشور نیز برای این کنگره برگزار شده بود.

وی ادامه داد: نخستین پیش‌نشت در کشور سوریه برگزار شد که ۱۲۰ نفر از علمای اسلامی در آن شرکت داشتند و همه آنها نسبت به تکفیر و قتل بیگناهان دیدگاه‌های خود را ارائه کردند.

علیزاده موسوی با اشاره به برگزاری پیش‌نشت دوم در کشور پاکستان که خود قربانی عملیات‌های تروریستی تکفیری‌هاست، اضافه کرد: ۲۵۰ نفر از علمای جهان اسلام به ویژه از میان اهل سنت در این مراسم شرکت داشتند و ۴۵ نفر از آنها دیدگاه‌های خود را بیان کردند.

دراین کنگره بین المللی جمع گسترده‌ای از شخصیت‌های حوزوی و دینی از کشورهای مختلف از جمله محمداصاق محمدیوسف مفتی اعظم ازبکستان، آیت‌الله حجت عضو شورای علمای شیعه افغانستان، شیخ عبدالرزاق قسوم رئیس جمعیت علمای مسلمین الجزایر، عارف‌الدین احمد عضو مجلس ملی و رئیس مجلس العلما اندونزی، عبدالقادر گیسینگ رئیس دانشگاه اسلامی مولایس اندونزی، عباس دیپالما مسئول موسسه اسلامی امام مهدی (عج) از ایتالیا، الله‌شکور پاشازاده مفتی اعظم آذربایجان و فیصل مرهل مسئول مرکز الغدیر شهر توکمان آرزاتین در این کنگره جهانی حضور داشتند.

بدعت تروریسم

وزیر امور خارجه عراق دراین کنگره گفت: وظیفه علمای اسلام آن است که در مقابل بدعت حملات تروریستی به نام اسلام به روشنگری بپردازند.

ابراهیم الجعفری با اشاره به آغاز حرکت‌های تروریستی از ۱۱ سپتامبر و گسترش روزافزون آن گفت: این یک بدعت به نام اسلام است و تا وقتی که این بدعت به نام اسلام ادامه دارد، وظیفه علماست که در این زمینه روشنگری کنند.

وی خاطرنشان کرد: تکفیری‌ها ابتدا به مناطق اهل سنت حمله کردند؛ موصل منطقه‌ای سنی‌نشین در عراق است که مورد تهاجم تکفیری‌ها و داعش قرار گرفت.

الجعفری با بیان اینکه تروریست‌ها دین و مذهب ندارند، گفت: بعد از اتفاقات عراق، بیشترین کشته‌ها از میان اهل

می‌کرد، اضافه کردند: حتی خداوند به این نکته در آیه‌ای اشاره می‌کند که به خاطر رحمتی که خدا به تو داده، توانستی بر این مردم نفوذ کنی و اگر با تندی و قساوت با مردم روبه‌رو می‌شدی، این جمعیت از اطراف تو پراکنده می‌شد.

حضرت آیت‌الله سبحانی یادآور شدند: پدیده‌ای که اکنون به نام پدیده تکفیر پیدا شده است، در واقع به دنبالش قتل، غارت، کشتن و خراب کردن است و اصلاً ارتباطی به اسلام و شریاع آسمانی ندارد و در تورات، انجیل و قرآن چنین مسأله‌ای مطرح نیست.

این مرجع تقلید افزودند: من هیچ دولتی را نام نمی‌برم، ولی می‌توانم بگویم این جمعیت قدرت و پول نداشتند و این سلاح‌ها را جمعیت‌هایی در اختیار آنها گذاشته است.

ایشان با اشاره به اهداف تکفیری‌ها گفتند: یک هدف این است که زیرساخت‌های کشورهای اسلامی را به وسیله جنگ از بین ببرند، بنابراین آنچه که یک کشور باید دارا باشد را به وسیله جنگ، بمباران، قتل و کشتار از بین می‌برند. این مرجع تقلید خاطرنشان کردند: نکته دیگر این است که اینها با تندی‌ها و سر بریدن‌ها می‌خواهند اسلام را بد جلوه دهند.

ایشان با بیان این که غرب در حال پیشروی به سوی اسلام است، افزودند: واقعا چیزی نمی‌گذشت که بخشی از غرب را مسلمانان تشکیل دهند ولی به وسیله این عمل نوعی بدبینی نسبت به اسلام پیدا شده است، در حقیقت کسانی که پشت سر اینها هستند، به دو نتیجه رسیدند، زیرساخت‌های کشورهای اسلامی به تدریج از بین می‌رود و ثانیاً اسلام در نظر دیگران بد جلوه می‌کند. حضرت آیت‌الله سبحانی اضافه کردند: بدون تردید جریان تکفیری آمده است که حاشیه امنی برای اسرائیل درست کند، مسلمانان باید امروز آماده باشند که مسجدالاقصی صدمه و خدشه نبیند.

تقویت تکفیری‌ها حرام است

حضرت آیت‌الله شبیر زنجانی، جنگ‌های کنونی در جهان را حرکت‌هایی غیرانسانی دانستند و بر ضرورت ایجاد صلح و آرامش در جهان تاکید کردند.

این مرجع تقلید در پاسخ به سؤال جمعی از طلبه‌های حوزه علمیه قم، تکفیری‌ها را مولود هوا و هوس دانستند و اظهار کردند: تکفیری‌ها تئوری دینی ندارند، بلکه اهل هوا و هوسند و به نام اسلام جنایت می‌کنند. جنایات این گروه‌ها دل هر انسانی را به درد می‌آورد، این گونه اقدامات ضد انسانی که توسط تروریست‌ها و گروهک‌های تکفیری انجام می‌شود، با هیچ ملاک و معیار انسانی مطابقت ندارد. اینها اشقیاء هستند و می‌خواهند با علم کردن پرچم لاله‌الله و انجام جنایت تحت این نام، چهره رحمانی اسلام را خشن جلوه داده و مانع از گسترش روزافزون این آیین توحیدی شوند. مرجع تقلید در پاسخ به این سؤال که «آیا می‌توان داعشی‌ها را به صرف بیان شهادتین مسلمان نامید؟» گفتند: خوارج هم شهادتین می‌گفتند اما مسلمان نبودند؛ چون بغض حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام را داشتند. احکام اسلامی بر کسی که بغض حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام را در دل دارد باز نمی‌شود.

ایشان افزودند: همه مسلمانان چه شیعه و چه سنی لازم است تا با هوشیاری تمام، همبستگی و وحدت کلمه، روشی مناسب برای مقابله با این گروه‌ها اتخاذ کنند و از اختلاف و تفرقه به هر شکلی پرهیز کنند.

این مرجع تقلید هر اقدامی را که منجر به تقویت تکفیری‌ها شود، حرام دانستند و گفتند: تمام کسانی که در راه مقابله با این گروه‌ها قدم برمی‌دارند و برای پیروزی اسلام و برگشت آرامش به این کشورهای مورد تعرض قرار گرفته، تلاش می‌کنند، نزد خداوند متعال مأجورند.

ضربه جریان تکفیری به اسلام

دبیر شورای نگهبان هم درسخنانی گفت: جریان تکفیری ضربه به اسلام و مسلمین می‌زند و اگر توجه شود علمای یهود و مسیحی هم باید در چنین همایش‌هایی شرکت کنند.

آیت‌الله جنتی اظهارداشت: امروز همه هستی اسلام، تمام فرق اسلامی اعم از شیعه و سنی مورد تهدید هستند، اساس اسلام در خطر است و مسئله صد درصد سیاسی است و عقیدتی نیست.

ادامه از صفحه اول

وی گفت: ما می‌بینیم که پیامبر (ص) در جامعه جاهلی مبعوث شد و دارای مظاهر خشونت و تندروی بود در جامعه‌ای که شاهد قتل‌ها و غارت‌ها بین مردم آن زمان بودیم جامعه‌ای که زن را ننگ و شر می‌دانست و زنده به گور کردن دختران در آن تبدیل به عادت شده بود و فرزندان خود را از بیم فقر می‌کشتند و جنایت‌های دیگری که مرتکب شدند.

حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی گفت: در چنین جامعه‌ای پیامبر اکرم (ص) به عنوان رحمه للعالمین مبعوث شد و جامعه‌ای که در لبه پرتگاه آتش بود را نجات داد. خداوند قرآن را بر قلب پیامبر نازل کرد و امروز این کتاب آسمانی بدون هیچ‌گونه تحریف و تغییری در دست ماست و مانند نور مبینی آن جامعه جاهلی را روشن کرد و آنها را به راه‌های صلح‌آمیز رهنمون ساخت و با ظهور این نعمت همه مسلمان‌ها با یکدیگر برادر شدند. وی افزود: اسلام غیرمسلمانانی را مخاطب قرار می‌دهد که هرچند به احکام اسلام ایمان ندارند اما در جنگ با مسلمان‌ها نیز نیستند و می‌فرماید با کسانی که با شما نبرد کرده و شما را از دیار خود خارج نمی‌کنند با عدالت رفتار کنید و قرآن کریم در جای دیگری مسلمانان را از دوستی با کسانی که با ما نبرد کرده و از دیارشان خارج می‌کند نهی می‌کند.

حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی با بیان اینکه قرآن کریم ارتباط بین مسلمانان و غیرمسلمانان را مشخص کرده است افزود: اسلام می‌گوید سیاه و سفید و مسلمانان از هر زبان و نژادی زیر پرچم اسلام قرار می‌گیرند و همه مسلمان‌ها نسبت به یکدیگر احساس برادری ایمانی می‌کنند.

وی با اشاره به آغاز عصر جاهلیت جدید به دلیل غفلت مسلمانان اظهار کرد: غفلت مسلمانان سبب شده است که جماعتی از گمراهان به نام تکفیری‌ها شروع به نابودی نعمت‌ها و فتنه در زمین کنند.

حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی تاکید کرد: آنها هر کسی غیر از خود را کافر حربی دانسته و مرتد اعلام می‌کنند و زن و ناموس و عرض او را مباح می‌دانند و دست به جنایاتی زدند که به ذهن کسی خطور نمی‌کند. آنها نام اسلام را بر جاهلیت شوم خود قرار داده و برای مشوح کردن چهره اسلام هر کاری که توانستند انجام دادند.

وی بر لزوم بررسی منابع اصلی این پدیده تأکید کرد و گفت: براساس آیاتی از قرآن سخنرانی من شکی نیست که خطاب به افراد افراطی ایراد می‌شود.

این مرجع تقلید با اشاره به محکومیت خشونت این افراد تندرو توسط بسیاری از اتباع عقاید سلفی گفت: مفتی اعظم پادشاه عربستان دو فتوای مهم در این زمینه صادر کرد که در فتوای اول می‌گوید، اندیشه‌های تروریستی که به فساد در زمین منجر می‌شود ربطی به اسلام ندارد و تصریح کرده است که اینها اهل جهنم هستند و در فتوای دوم اعمال تروریستی را به شدت محکوم کرده و خواستار قصاص مرتکبان این جنایت‌ها شده‌اند که این رفتار قابل تقدیر است و امید می‌رود آغازی برای اجماع علمای مسلمانان بر ضد تکفیری‌ها شود چراکه ما باید از شر افراد تندروی غیرمسلمان نسبت به افرادی که در صلح به سر می‌برند جلوگیری کنیم.

حاشیه امن برای اسرائیل

حضرت آیت‌الله سبحانی، از مراجع تقلید و مدیر علمی این کنگره گفت: بدون تردید جریان تکفیری آمده است که حاشیه امنی برای اسرائیل درست کند، مسلمانان باید امروز آماده باشند که مسجدالاقصی صدمه و خدشه نبیند. ایشان با اشاره به هویت و اهداف شکل‌گیری جریان تکفیری در جهان امروز گفتند: اساس اسلام رحمت، مغفرت و آرامش است و بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم نخستین آیه‌ای است که پدر و مادر به فرزندان تعلیم می‌دهند.

این مرجع تقلید افزودند: این آیه ما را با خدایی آشنا می‌کند که مظهر رحمان و رحیم است و بدون تردید رحمانیت وی بیشتر از رحیمیت بوده و رحیم بر مؤمنان و رحمان بر تمام بشر است.

این مرجع تقلید با بیان این که رمز موفقیت پیامبر اکرم(ص) این بود که با نرمش و اخلاق با مردم رفتار

حدود هفتاد سال قبل در یکی از محله‌های جنوبی

تهران دیده به جهان گشود. محمود حکیمی دوران تحصیل در مدرسه را با وجود مشکلات اقتصادی خانواده پشت سر گذاشت و با تشویق معلمانش قدم به عرصه نویسندگی گذاشت. از همان سال‌ها تمام دغدغه‌اش نوشتن برای کودکان، نوجوانان و آشنا ساختن آنان با چهره واقعی اسلام و زندگی ائمه اطهار(ع) بود، به گونه‌ای که تا به امروز بیش از ۱۰۰ عنوان کتاب از او در حوزه‌های مختلف پژوهشی و ادبی در دسترس مخاطبان بزرگسال و کودک و نوجوان قرار گرفته است. نویسنده‌ای که به سبب تلاشش در حوزه ادبیات دینی موفق به کسب عنوان خادم فرهنگ عاشورایی نیز شده است. شاید بد نباشد بدانید محمود حکیمی علاوه بر نویسندگی و کار ترجمه، بیش از ۱۷ سال نیز در دانشکده‌های تربیت معلم مشغول تدریس بوده و علاوه بر این سابقه آموزش در کشور امارات متحده عربی و همچنین شهرها و روستاهای مختلف کشور را هم در رزومه کاری خود دارد. از او داستان‌های متعددی در کتاب‌های درسی منتشر شده و تألیف تعدادی از کتاب‌های درسی از جمله تاریخ را نیز بر عهده داشته است. حکیمی دوره کارشناسی را در رشته زبان انگلیسی سپری کرد و بعد از آن برای تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد در رشته تعلیم و تربیت راهی کشور انگلستان شد. اما موفق به سپری کردن دوره دکتران نشد چراکه در همان سال‌ها تازه انقلاب اسلامی ایران پیروز شده بود و به پیشنهاد شهید باهنر تصمیم به بازگشت به کشور گرفت. از همان زمان نیز به طور جدی فعالیت در عرصه‌های آموزشی و فرهنگی را آغاز کرد. گفت‌وگوی روزنامه ایران با این نویسنده و مترجم کودک و نوجوان را که بسیاری وی را از جمله نویسندگان اثرگذار در جریان ادبیات دینی می‌دانند بخوانید.

آقای حکیمی قبل از هر سؤالی کمی از زندگی خودتان بگویید و اینکه چطور شد سر از دنیای ادبیات درآوردید؟

نهم شهریور هفتاد سال قبل در یکی از محله‌های جنوب تهران متولد شدم. دوران دبستان را در مدرسه‌ای در خیابان خراسان سپری کردم. معلمان خوبی داشتم که متأسفانه با شیوه‌های صحیح تربیتی آشنایی نداشتند. با وجود این از آنان ممنونم؛ چراکه سال دوم دبستان اغلب کتاب‌ها را بدون مشکل می‌خواندم. یادم می‌آید پنجم دبستان معلمی داشتم که وقتی چندتایی از انشاهایم را برایش خواندم؛ تشویقم کرد و گفت که روزی نویسنده می‌شوی. سال ۳۵ بود.

همین تشویق شما را به سوی نویسنده شدن گشاند؟

اتفاقاً می‌خواستم همین را بگویم. همان معلمی که از او گفتم؛ اجبار کرد و گفت: «حالا که خوب بلدی بنویسی باید هر پانزده روز یک بار روزنامه دیواری درست کنی.»

در واقع نویسندگی من از همان زمان شروع شد. البته نخستین اثری که به شکل حرفه‌ای از من منتشر شد به سال ۱۳۳۹ بازمی‌گردد. آن زمان به مجله کیهان بچه‌ها رفتم. در خاطرم هست که آقای بدیعی مدیریت مجله را به عهده داشت. نخستین داستانم را که تحویل دادم با استقبال زیادی روبه‌رو شد. حتی بچه‌ها به کیهان بچه‌ها نامه نوشته بودند که از داستان خوششان آمده است. این تشویق‌ها و ویرایش خوب داستان‌هایم توسط چند ویراستار منجر به آن شد که به ادامه کار علاقه‌مند شوم. البته نامه‌ها و ابراز احساسات کودکان هم تأثیر زیادی در این زمینه داشت. شاید بد نباشد؛ به نکته‌ای اشاره کنم. من و آقای مهندس کاموسی مجموعه‌ای منتشر کردیم با عنوان ادبیات دینی کودک و نوجوان. ایشان گاهی تماس می‌گرفت و پیشنهاد کار مشترک دیگری را می‌داد. می‌گفتم وقت ندارم و درگیر نامه‌های بچه‌ها هستم. باورش نمی‌شد. فکر می‌کرد به اصطلاح خالی می‌بندم! خانه قبلی که بودیم یک دفعه فقط نامه‌های

در گفت وگویی با محمود حکیمی مطرح شد

وظیفه سنگین نویسندگان دینی

نوشتن. گفتم داستان‌های حجت‌الاسلام گل‌سرخی خیلی خوبه اما متأسفانه شیوه داستان نویسی آن مناسب نیست. افراد را به خواندن شماره بعد علاقه‌مند نمی‌کند. نامه تشکری از سوی حجت‌الاسلام گل‌سرخی آمد که مرحوم حجتی کرمانی هم در آن گفته بود که بفرمایید شما تصحیح آن را بر عهده بگیرید. این چنین شد که از سال ۱۳۴۷ به جمع نویسندگان مکتب اسلام پیوستم و هنوز هم با آنان همکاری دارم. آخرین داستانم به نام «پیش به سوی توحید راستین» است که در این مجله منتشر شده.

علاقه‌مندی‌ام به ادبیات دینی در حدی بود که در ارتباط با ادیان دیگر هم کتاب‌هایی نوشته‌ام و تحقیقات بسیاری هم انجام داده‌ام. حتی در ارتباط با مسیحیت کارهای بسیاری انجام داده‌ام. درباره فرقه‌ها و مذاهب اسلام هم کارهای بسیاری انجام داده‌ام.

تحقیقاتی که در ارتباط با ادیان انجام داده‌اید چقدر در ارتقای کار شما مؤثر بوده؟ با توجه به اینکه مخاطب آثار شما اغلب کودک و نوجوان هستند؟

قبل از پاسخ به این سؤال باید به مسأله‌ای اشاره کنم. در حال حاضر کتاب‌های بسیاری در قم منتشر می‌شوند. خیلی بیشتر از قبل از انقلاب. اما بسیاری از این کتاب‌ها نثری دشوار دارند. گاهی اوقات به نویسندگان آثار فوق می‌گویم شما گمان می‌کنید همه مخاطبان نوشته‌های شما طلبه هستند که با این نثر دشوار می‌نویسید؟ بسیاری از اصطلاحاتی که در این کتاب‌ها به کار رفته برای نوجوان قابل درک نیست. از همین رو مخاطب کم سن و سال کتاب را بیشتر از چند صفحه نمی‌خواند و کنار می‌گذارد. باید تلاش بیشتری شود تا کتاب‌ها را به زبان ساده و روان بنویسیم. البته این مسأله تنها درباره مخاطبان کودک و نوجوان نیست؛ درباره بزرگسالان نیز صدق می‌کند. آن وقت است که می‌بینیم چقدر مردم استقبال می‌کنند. اصلاً همین که داستان‌های امیر کبیرم با استقبال زیادی روبه‌رو شده بخشی از آن به دلیل ساده نویسی است. اینکه به چاپ ۲۴ رسیده از همین مسأله ناشی می‌شود.

به این اشاره کردید که از شرایط تربیتی آن زمان مدارس راضی نبودید. به همین علت بود که برای کارشناسی ارشد به سراغ رشته تعلیم و تربیت رفتید؟ و بعدها هم که ادبیات کودک و نوجوان را انتخاب کردید!

شاید علت بخشی از فعالیت‌هایم به این مسأله بازگردد. اتفاقاً کتاب‌هایی که در ارتباط با تعلیم و تربیت باشد زیاد دارم. حتی در دانشکده‌های تربیت معلم که حدود ۱۷ سالی در آنها تدریس کرده‌ام؛ اغلب چند درس را آموزش دادم. یکی آموزش دبستان و قبل از دبستان که از خودم هم کتاب در این زمینه منتشر شده، دیگری مرجع شناسی و روش تحقیق و آخری هم زبان.

در خاطرم هست که آن سال‌ها علاقه داشتم که بروم قم و آنجا تدریس کنم. مسئولی که این درخواست را از او داشتم تعجب کرد که چطور می‌خواهم تهران را رها کرده و به شهر دیگری بروم. از آنجایی که به مطالعه درس‌های حوزوی علاقه‌مند بودم این کار را انجام دادم. آنجا هم زبان تدریس می‌کردم هم تاریخ و هم ادبیات. هم‌زمان در حوزه هم مشغول تحصیل بودم و در مکتب اسلام هم می‌نوشتن.

پس ماجرای تحصیلات حوزوی شما به این اتفاق بازمی‌گردد؟

بله و هم‌زمان برای چهار مجله هم مقاله و داستان می‌نوشتن. البته اغلب هم با اسم مستعار بود.

استاد برگردیم به سؤال قبلی که تقریباً بی‌پاسخ ماند. تحصیلتان در رشته تعلیم و تربیت به علت مسأله‌ای بود که اشاره شد. به علت آن تجربه‌هایی که از دوران کودکی داشتید نیاز به تحول در نظام آموزشی را احساس کردید و به سراغ این رشته آمدید؟

اجازه بدهید قبل از پاسخ سؤال شما به نکته‌ای اشاره کنم. من و همسر قبل از تحصیل در رشته تعلیم و تربیت به هامبورگ سفر کردیم. آنجا به پیشنهاد یکی از دوستان



به دانشگاه «نورنبرگ» رفتم. تا رئیس دانشگاه متوجه شد که من نویسنده کودک و نوجوان هستم و ۳۶ کتاب هم نوشته‌ام به این طرف میز آمد و گفت آلمان را بعد از جنگ جهانی دوم نویسندگان ساختند. آنان برای اهالی قلم خود ارزش بسیاری قابل هستند اما متأسفانه اینجا این گونه نیست. یک سال و نیم هامبورگ بودیم. دانشگاه هم جامعه‌شناسی می‌خواندم. آن زمان اغلب تحت تأثیر دکتر شریعتی بودیم و علاقه‌مند به تحصیل در این رشته هم بودیم. البته آن را به علت مشکلاتی نیمه تمام رها کردم و رفتم انگلستان برای تحصیل در رشته تعلیم و تربیت. بعد از پیروزی انقلاب به ایران بازگشتم تا بعد از مدت کوتاهی به انگلستان بازگردم و دکتر را هم آنجا بخوانم. آن زمان با شهید باهنر دوست بودم. ایشان گفت که مگر من می‌گذارم بروی و به ماندن تشویقم کرد. بنابراین مسئول انتشار کتاب‌های کمک آموزشی شدم که هم‌اکنون با عنوان مجله رشد منتشر می‌شوند. تا سال ۶۰ هم مسئولیت فوق را بر عهده داشتم. باید بگویم که بله. شاید علت بخشی از تحصیل من در آن رشته و حتی ماندنم در ایران به نکته‌ای که به آن اشاره کردید بازگردد.

تألیف کتاب‌های تاریخ دوران راهنمایی نظام آموزشی قبل را هم شما بر عهده داشتید؟

بله. کتاب تاریخ هر سه سال دوره راهنمایی را من نوشتم. البته انتشار کتاب‌های تاریخ این سه سال با همکاری و ویرایش شهید رجایی همراه بود. زمانی که از مسئولیت مدیریت انتشارات کناره گرفتم به بخش آموزش استثنایی آموزش و پرورش رفتم. کتابی هم برای پدر و مادرانی که فرزند نابینا دارند ترجمه کردم. پیش هر ناشری بردم منتشر نکرد و بهانه می‌آوردند. به مدرسه خزائلی، مدرسه ناینیان رفتم. آقای لواسانی مدیر مدرسه تا فامیلی‌ام را شنید گفت ما تعداد زیادی از کتاب‌های شما را برای بچه‌های نابینا و کم‌بینا روی نوار ضبط کرده‌ایم. پیشنهاد کتاب را به آنها دادم و ۵۰۰ نسخه از کتاب تکثیر شد. در نهایت هم کتاب به دست پدر و مادر محصلان نابینا رسید. آن قدر از کتاب استقبال شد که پدر و مادران دانش‌آموزان به وزیر آموزش و پرورش نامه نوشتند که حکیمی باید برای تدریس به مدرسه نابینایان بیاید. یک دفعه دیدم نامه آمد که باید برای تدریس به مدرسه نابینایان بروم. آن هم در شرایطی که من برای تدریس در مدرسه نابینایان آموزش ندیده بودم!

پس چنین بود که سر از مدرسه نابینایان در آوردید؟

بله. البته یک سال و نیم هم در اداره آموزش و پرورش استثنایی مشغول فعالیت بودم و ۲۷ کتاب درسی دانش‌آموزان و کتاب‌های ویژه معلمان را ویرایش کردم و دو کتاب از میان آنها را هم تألیف کردم.

رسیدیم به سابقه تدریس‌تان در دانشکده‌های تربیت معلم. با توجه به تجربه‌ای که هم‌اکنون به دست آورده‌اید نظام آموزشی فعلی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

نظام آموزشی فعلی از قبل از انقلاب که خیلی بهتر شده. اما اینکه بخواهم ارزیابی داشته باشم نیاز به بررسی دقیق و همه جانبه دارد.

در جریان هستید؛ از امسال کتاب تازه‌ای به سال هفتم و هشتم اضافه شده که به دانش‌آموزان مهارت‌های نوشتاری را آموزش می‌دهد؟

نه. اطلاعی ندارم. اما اگر این گونه باشد که شما می‌گویید باید آن را به فال نیک گرفت. بشدت به چنین آموزش‌هایی در مدارس نیاز داریم. متأسفانه در سال‌های قبل از ظرفیت‌های زنگ انشا بدرستی بهره گرفته نمی‌شد. البته ای کاش این آموزش‌ها به دوره ابتدایی نیز راه پیدا کند.

ادامه در صفحه بعد

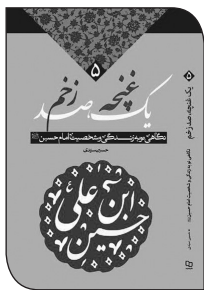
محمدرضا طبسی (اعلی الله مقامه) می باشد کسی که خود از ستارگان درخشان آسمان فقاقت و فضیلت است و فرزندی فاضل و فرزانه از بیت او برخاسته اند. آیت الله محمد جواد فاضل لنکرانی نیز در مقدمه ای که بر این کتاب نگاشته است تأکید می کند علامه محقق شیخ محمد جعفر طبسی تلاشی را به انجام رسانیده است که خدمتی عظیم به جامعه ی علمی محسوب می گردد چرا که موفق گردیده است اکثر هفتصد آیه ای را که ائمه در احکام شرعی و موازین فقهی به آن ها استدلال کرده اند فراهم آورد و با دقت تدوین کند، امید می رود که خداوند این اهتمام را از وی و مرکز فقهی الائمه الاطهار قبول کند.

این کتاب در دو جلد به قطع وزیری و با جلد گالینگور در سال ۱۳۹۲ ش توسط مرکز فقهی ائمه اطهار (در قم) به حلیه طبع آراسته گردیده است، در جلد اول و طی ۶۰۴ صفحه مباحث طهارت، صلو، زکات، خمس، روزه، حج و جهاد آمده است و در جلد دوم در ۴۴۶ صفحه این مطالب دیده می شود: امر به معروف و نهی از منکر، تجارت، مزارعه و مساقات، ودیعه، اجاره، وکالت، هبات، وصایا، نکاح، طلاق، ایلاء و کفارات، لعان، عتق، ایمان، نذر و عهد، صید و ذبائح، اطعمه و اشربه، فرائض و موارث، قضاء، شهادت، حدود و تعزیرات، قصاص و دیات. فهرست مندرجات، فهرست آیات و فهرست مصادر از ضامنات کتاب است.

و السلام

غلامرضا گلی زواره / آذر ۱۳۹۳

معرفی کتابی درباره سبک زندگی امام حسین(ع)

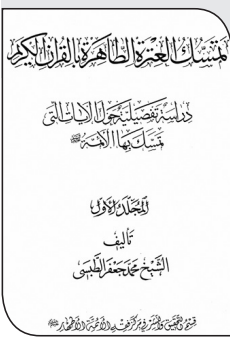


کتاب «یک غنچه، صد زخم؛ نگاهی نو به زندگی و شخصیت امام حسین(ع)» نوشته حجت‌الاسلام والمسلمین حسین سیدی از سوی دفتر نشر معارف منتشر شد.

«یک غنچه، صد زخم» جلد پنجم از مجموعه چهارده جلدی «سیره کاربردی چهارده معصوم(ع)» یا «سبک زندگی معصومین(ع)» است که در دهه ۸۰، برنده جایزه کتاب سال حوزه علمیه قم شد. در این مجموعه سعی می‌شود مسایل مختلف زندگی از دیدگاه اهل بیت(ع) بیان شود و هدف این مجموعه پاسخ به این سؤال است که در روزگار امروز و برای انسان قرن بیست و یکم چگونه اهل بیت(ع) می‌توانند الگو باشند و چگونه آنها می‌توانند گرهی از زندگی مردم باز کنند.

این سیره کاربردی که بیش از صد موضوع مثل سیمای ظاهری، سیمای باطنی، سبک زندگی فردی و اجتماعی و سیاسی، ارتباط با خدا، دیگران و طبیعت، توصیه‌های اجتماعی و سیاسی و نظامی و حتی محیط زیست و حقوق مخالفان و حیوانات و... را شامل می‌شود، برای عموم مردم به ویژه جوانان و نوجوانان نوشته شده است.

نویسنده برای نگارش این کتاب، منابع بسیاری را دیده که بیش از ۱۰۰۰ منبع آنها بهره گرفته شده است. مجموعه سبک زندگی معصومین(ع) با استفاده از منابع روایی و تاریخی معتبر نوشته شده است که جلد اول آن درباره پیامبر گرامی اسلام(ص) به چاپ سی و یکم و جلد دوم آن با نام «امیر گلها» درباره زندگی و شخصیت امام علی(ع) به چاپ هشتم رسیده است و به زودی، جلد سوم آن با نام «خاطر نازک گل» درباره زندگی و شخصیت حضرت زهرا(س) و جلد چهارم آن با نام «غنچه دلتنگ» درباره زندگی و شخصیت امام حسن مجتبی(ع) برای نخستین بار از سوی دفتر نشر معارف منتشر می‌شود.



العترة الطاهرة بالقرآن
الکریم» (حاوی دراسه تفصیلیه حول الآیات التمسک بها الائمه) که آن را در دو جلد سامان داده است، تلاشی ابتکاری و

مباحثی بدیع را مطرح کرده است و در آن مطالبی دیده می شود که شاید برخی علما و فقهای سلف در استدلال احادیث به آیات قرآن، در احکام شرعی از آن ها غفلت داشته اند.

استاد طبسی احادیث را بر وفق کتاب وسایل الشیعه حرّ عامل بر حسب توالی موضوعات فقهی در جمیع ابواب فقهی تنظیم کرده است، هم چنین مشخص کرده است در احادیث متعددی معصومین به آیه ای واحد تمسک نموده اند و این وضع در بسیاری از احکام شرعی دیده می شود، هم چنین حدیث واحدی را مشخص کرده که در آن معصوم به آیات عدیده ای استناد نموده است، توضیحات وی در متن و حواشی کتاب با دقت و ظرافت ویژه ای درج گردیده است.

او موفق گردیده است ۷۷۴ آیه را ذکر کند که در روایات وسایل الشیعه به آن ها استناد شده است.

حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ جعفر سبحانی که بر این امر مقدمه ای نوشته اند و بر وزانت کتاب افزوده اند، توفیق این محقق عالی مقام را در پدید آوردن چنین اثری ستوده اند و آن را امری مبارک تلقی فرموده اند و اضافه کرده اند مؤلف کتاب از سنین جوانی در مسیر تصنیف و تألیف آن هم در دفاع از حریم اهل بیت (ع) گام برداشته است و او فرزندی از بیت علم، تقوا و دیانت می باشد چرا که والدش آیت الله شیخ

با ایشان آشنایی نداشتیم. رفتیم و اتفاقاً جلسه بسیار خوبی هم بود. متوجه شدم که ایشان آموزش نویسندگی هم می‌دهد. به من گفت شما که در مکتب اسلام می‌نویسی چند داستان هم برای ما بنویس. من هم نوشتم و اتفاقاً شهید باهنر هم از آن استقبال کرد و از تشویق ایشان هم برخوردار شدم. اما در رابطه با شهید رجایی باید بگویم که تا قبل از پیروزی انقلاب حتی ایشان را از نزدیک ندیده بودم. بعد از انقلاب هم که شهید باهنر من را فرستاد برای مجلات رشد. البته آن زمان با عنوان مجلات پیک از آنها یاد می‌شد و بعد از انقلاب اسم آن را عوض کردیم. در یکی از دیدارهای اول با شهید رجایی ایشان گفت که کتاب اشراف‌زاده قهرمانت را خوانده‌ام و آن را در مدارس و هیأت‌ها پخش کرده‌ام. کمی از انقلاب که گذشت قرار شد کتاب‌های مدارس عوض شوند. نوشتن کتاب تاریخ را هم به من سپردند. در زمان کوتاهی تألیف سه کتاب تاریخ مقطع راهنمایی را انجام دادم که در آن زمان کم به بازگشایی مدارس رسیدند.

چگونه می‌توان در جهت ارتقای فرهنگ کتابخوانی گام برداشت؟

با وجود آنکه رسانه‌ها در این بین از تأثیر بسیاری برخوردار هستند اما آنچنان که باید و شاید تلاشی در این زمینه نمی‌کنند. متأسفانه رسانه‌ها، بی‌وجه صدا و سیما بیش از آنکه به فکر کتاب و افزایش سرانه مطالعه باشند تنها به فکر فوتبال و ورزش هستند. البته نه این که فوتبال خوب نباشد اما مسأله اینجاست که به کتاب هم باید بها داده شود. برای علاقه‌مند کردن کودکان و نوجوانان با کتاب باید از همان کودکی شروع کرد. راهکارهای مختلفی هم به همین منظور می‌توان به کار بست. به عنوان نمونه بعد از آموزش مهارت‌های نوشتن می‌توان بهترین نوشته‌ها را منتشر کرد. آن وقت دانش‌آموزان تشویق به خواندن نوشته‌های یکدیگر می‌شوند. این خواندن‌ها هم در نهایت و با گذشت زمان آنان را علاقه‌مند به مطالعه می‌کند. اگر واقعاً به دنبال افزایش سرانه مطالعه و علاقه‌مند کردن مردم به مطالعه باشیم باید از همین حالا دست به کار شویم. از مخاطبان بزرگسال که تقریباً گذشته برای تربیت نسل‌های آینده و تلاش برای کتابخوان کردن آنان باید از همین حالا و از مدارس شروع کرد.

منبع: ایران

معرفی کتاب تمسک العترة الطاهرة بالقرآن الکریم

قرین های قرآن

ائمه هدی راسخان در علم و حکمت و معرفت، معدن وحی و قرآن، مخزن معارف و مکارم می باشند که رسول اکرم (ص) آن ستارگان فروزان را طبق روایتی معتبر و مستند که دانشمند بزرگ جهان تشیع میرحامد حسین (متوفی ۱۳۰۶ ق) آن را از حدود دویست نفر از علمای اهل سنت نقل کرده است و در کتاب ۶ جلدی عیقات الانوار آمده است، قرین قرآن معرفی فرموده اند و تأکید کرده اند اگر به این دو امانتی نفیس و گرانبها که نزد شما باقی گذاشته‌ام و یکی قرآن دیگری عترت است، تمسک بجوئید هرگز گمراه نمی شوید، دو یادگاری که هیچ گاه از هم جدا نمی گردند، کسانی که تا روز رستاخیز پیوندی ناگسستنی با قرآن دارند.

هیچ کدام از علما و اقشار مردم قابل مقایسه با اهل بیت رسول اکرم (ص) در اهتمام و اعتنا به قرآن کریم در جمیع جوانب و ابعاد از قرانت، تدبر، رجوع و استدلال نمی باشند. آن فروغ های فروزان تلاش کرده اند در روایات و احادیثی که صادر کرده اند این حقیقت مسلم را به اثبات برسانند که آن چه درباره ی اعتقادات، احکام و اخلاق و مسایل سیاسی و اجتماعی در فرموده های خود آورده اند، ریشه قرآنی دارد و در موارد متعددی و نیز هنگام پاسخ به سؤالات، ایرادها، ابهام ها و شبهاتی که برخی ایجاد می کرده اند کوشیده اند بیانات خود را با استناد به قرآن آراسته نمایند. ائمه نیز اهتمام داشته اند تا فقها و راویان حدیث را درباره ی رجوع به قرآن و استدلال به این کتاب مقدس و معجزه ی رسول اکرم (ص)، ترغیب و تشویق نمایند، هم چنین درصد اثبات این واقیعت محتوم بوده اند که هیچ گونه تحریفی در قرآن وجود ندارد و قرآنی که در اختیار مسلمانان است همان است که به قلب مبارک پیامبر اکرم (ص) نازل

ادامه از صفحه قبل

آسبیبی که در این سال‌ها به ادبیات دوران تحصیل در مدرسه وارد بود بیشتر از کدام جنبه بوده؟

به نظرم از بی‌توجهی‌مان به ادبیات و از سویی داشته‌های خودمان. اینکه می‌خواهم بگویم را گمان نکنید که از روی تعصب و احساسات است. معتقدم که گنجینه ادبیاتی که ما در زبان فارسی در اختیار داریم را هیچ ملتی ندارد. به این مسأله بارها و بارها اشاره کرده‌ام. باور کنید این را برحسب تعصب ایرانی بودن خود نمی‌گویم. من درباره مولانا و فردوسی چند کتاب نوشته‌ام. علاوه بر این درباره زندگی بسیاری از بزرگان ادبیات تحقیق کرده‌ام. در ادبیات هیچ ملتی ندیده‌ام که بر فرض بزرگانی همچون مولانا یا فردوسی داشته باشند. اگر فردوسی نبود من و شما نمی‌توانستیم فارسی حرف بزنیم. فردوسی فارسی را زنده کرد آن وقت ما آن طور که باید و شاید از آنان بهره نمی‌گیریم. بزرگان شعر و ادبیات فارسی علاوه بر داشته‌هایی که به ادبیات افزوده‌اند، اغلب جوانمردی را تبلیغ می‌کنند. یکی از دلایلی هم که می‌گویم به واسطه‌اش به آموزش جدی ادبیات در مدارس نیاز داریم همین مسأله است. شرایط جوامع امروز به گونه‌ای شده که به کمک گرفتن از ادبیات برای گسترش اخلاق نیاز داریم.

یعنی با توجه به نیاز جامعه معتقدید که باید به ادبیات کهن خودمان بازگردیم؟

بله. گنجینه‌های ادبیات کهن ما از چنین ظرفیتی برخوردار هستند. بزرگان ادبیات علاوه بر ادیب بودن تأکید بسیاری بر فضایل اخلاقی نیز دارند. متأسفانه مردم خیلی کم صبر شده‌اند. شما اگر نگاهی به روابط مردم در زندگی روزمره داشته باشید متوجه این نیاز می‌شوید. موقع همین رانندگی چه دعوها که نمی‌شود. برای همین است که می‌گویم باید به ادبیات بیش از گذشته بها داده شود. از ادبیات خودمان که بگذریم با تبلیغ فرهنگ انبیای الهی و اهل بیت هم می‌توان به گسترش فرهنگ مهرورزی میان کودکان و نوجوانان پرداخت.

برای همین عمده تمرکزتان را بر گروه سنی کودک و نوجوان و ادبیات دینی گذاشتید؟

بله. همین طور است. تمام تلاشم نیز بر همین مبنا قرار دارد. چراکه باید آموزش را از سنین کم آغاز کرد. **در صحبت‌هایتان از شهید باهنر، مطهری و رجایی گفتید. این همنشینی و رابطه دوستانه چقدر در کارتان اثر گذاشته؟**

شهید بهشتی و شهید باهنر قبل از انقلاب به مدت ۱۵ سال مسئول نگارش کتاب‌های دینی بودند. در خاطرم هست که روزهای چهارشنبه برای نقد کتاب‌های مذکور می‌رفتیم. هر بار هم چند نفر حضور داشتند. نقد کتاب را از شهید بهشتی یاد گرفتیم از همین رو هر گاه اسم ایشان به میان بیاید می‌گویم که تأثیر بسیاری در زندگی کاری‌ام بر جای گذاشته است.

شهید مطهری چطور؟

محدوده زمانی سال‌های ۴۷ تا ۵۱ در دفتر تهران «مجله مکتب اسلام» مشغول فعالیت بودم. شهید مطهری در همان سال‌ها بهترین مقاله‌های مجله مذکور را با عنوان سیری در نهج البلاغه می‌نوشت. بعد از من می‌خواست که حکیمی بیا. من هم آن روزها خیلی جوان بودم. یک بار به من گفت هر وقت که برای بردن مطالب به قم رفتی پیش آقای محمود حکیمی که هم فامیلی خودت هم هست برو. سلام من را به او برسان و بگو که داستان «سوگند مقدس» شماره قبلی‌ات را خواندم. به او بگو این داستانش من و همسرم را بسیار تحت تأثیر قرار داد. بی‌اختیار خنده‌ام گرفت. چون شهید مطهری نمی‌دانست که آن محمود حکیمی همین جوانی است که روبه‌روی او ایستاده. از طرفی از تعریف او هم خوشحال بودم. تعجبش از خنده‌ام را که دیدم گفتم که محمود حکیمی خودم هستم. شهید مطهری بلند شد و یک صدلی کنارم گذاشت؛ نشست و گفت: «شما آنقدر جوان هستید که باورم نمی‌شد همان نویسنده باشید.» خلاصه آن روز نزدیک یک ساعت شهید مطهری من را تشویق کرد که به کارم ادامه بدهم.

از آشنایی‌تان با شهید باهنر و رجایی هم بگوئید.

سال‌های قبل از انقلاب بود. هنوز قم نرفته بودم. محمد، پسر در مدرسه علوی، سه راه امین حضور درس می‌خواند. در یکی از جلسات مدیر مدرسه گفت که قرار شده جلسه‌ای با حضور شهید باهنر برگزار کنند. چندان

۱۰ بهشت	◄ شماره ۱۷
فرهنگی	◄ شماره مسلسل ۱۴۸۷
 پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com	◄ نیمه اول آذر ۱۳۹۳

بررسی کتاب‌های دینی در قم

شرق: علی جنتی در قم گفته بررسی و صدور مجوز کتاب‌های دینی را به قم منتقل می‌کند.
براساس صحبت وزیر در صورت رخ‌دادن این جابه‌جایی، مراکز علوم دینی در قم مجوز کتاب‌های دینی را صادر خواهند کرد. این تصمیم در صورت اجرایی‌شدن دارای جنبه‌های مختلفی است. مهم‌ترین ویژگی این‌تصمیم این است‌که ممیزی کتاب به‌صورت تخصصی و توسط کارشناسان انجام می‌شود. اما ازسوی دیگر مرکزیت ممیزی از وزارت‌ارشاد خارج می‌شود و از آنجا که براساس قانون مصوب شورایعالی انقلاب فرهنگی، صدور مجوز کتاب به اداره نظارت و ارزشیابی اداره کتاب زیر نظر معاونت فرهنگی واگذار شده، باید به‌نوعی قوانین مربوط به آن تغییر کند. البته حرف‌های علی جنتی در دیدار با آیت‌الله‌سعیدی، امام‌جمعه قم و تولیت حرم‌مطهر حضرت‌فاطمه‌معصومه(س) که نوعی کوچک‌ترکردن بدنه دولتی نظارت و ارزشیابی به نظر می‌رسد، درحد یک‌پیشنهاد است و چنانکه علی شجاعی‌صاین، رییس اداره کتاب می‌گوید، هنوز مکانیزم‌های اجرایی این مساله در وزارت ارشاد مشخص نشده و این مهم درواقع پیشنهاد وزیر ارشاد بوده است.

برای عملی‌شدن باید مطالعات گسترده‌ای درباره آن انجام شود و زمینه‌های مختلف آن بررسی شود. شجاعی‌صاین در گفت‌وگو با «شرق» ضمن تایید نظر وزیر افزود: «این پیشنهاد وزیر درحال‌حاضر در هیات نظارت و ارزشیابی کتاب در حال بررسی است و داریم درباره سازوکارهای اجرایی آن گفت‌وگو می‌کنیم تا به تصمیم‌گیری نهایی برسیم. تصمیم نهایی را باید اعضای شورای نظارت و ارزشیابی که همه از کارشناسان و فرهیختگان فرهنگی هستند بگیرند.» شجاعی‌صاین آنچه را وزیر ارشاد در قم اعلام کرده، موضوعی می‌داند که در سال‌های گذشته چندین‌بار دیگر هم مطرح شده بود و نکته تازه‌ای نیست: «وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با حوزه علمیه قم و مراکز دینی این شهر رابطه نزدیکی دارد. بارها کتاب‌هایی را که شبهاتی به‌لحاظ مذهبی داشتند به قم فرستادیم و از آنها استعلام کرده‌ایم. به‌این‌دلیل سازوکار عملی این موضوع وجود داشته است، اما باید نظارت بر ناشران در کنار تأمین محتوای سالم کتاب‌ها تأمین شود؛ از‌این‌رو باید فرآیندهایی اجرایی واگذاری صدور مجوز کتاب‌های دینی به استان قم موردبررسی قرار گیرد.»

البته ظاهرا اتخاذ این تصمیم به‌راحتی نیست. همان‌گونه که اشاره شد قوانین ناظربر نظارت و ارزشیابی در شورایعالی انقلاب فرهنگی که وزیر فرهنگ‌وارشاد اسلامی هم یکی از اعضای آن است تدوین و صادر می‌شود. به همین دلیل هرگونه تغییری در آن باید در شورایعالی انقلاب فرهنگی تصویب شود. این نکته‌ای است که شجاعی‌صاین هم آن را تایید و البته یک‌نکته به آن اضافه می‌کند: «در نهایت صدور مجوز برای کتاب‌ها باید در اداره کتاب صادر شود و سپردن ممیزی به هر نهادی به‌معنی واگذاری کامل آن نیست و کتاب‌ها بعد از بررسی بار دیگر در شورای نظارت و ارزشیابی بررسی و مجوز خواهند گرفت.»

شجاعی‌صاین یکی از مزایای این طرح را تخصصی‌کردن ممیزی می‌داند و آن را طرحی برای حضور سایر گروه‌های حرفه‌ای برای بررسی کتاب می‌داند، اما بار دیگر تأکید می‌کند ممیزی باید در اداره کتاب انجام شود. به‌گفته رییس اداره کتاب هرچند مصادیق این واگذاری هنوز معلوم نیست اما منظور از کتب دینی، آثار دینی به‌صورت عام است که کتاب‌های سایر ادیان هم در آن خواهد گنجد. با توجه به حجم بررسی‌های انجام‌شده در مورد این طرح شجاعی‌صاین می‌گوید: « فکر نمی‌کنم پیشنهاد وزیر ارشاد مبنی بر واگذاری امور صدور مجوز کتاب‌های دینی به استان قم تا آخر امسال اجرایی شود.»

در این نوشته درصدد آنیم، که دو امر مهم را به یادها آوریم و صاحب‌رسالتان را، به تحقیق بخشی به این دو امر فراخوانیم و بسیج کنیم، بدان امید که خدایسند باشد و با نتیجه و نجات‌آفرین برای انسان بی‌پناه، پس ای: نویسندگان و صاحب‌قلمان!

شاعران و هنرمندان!

محققان و دانشوران!

کارگردانان و فیلمسازان!

واعظان و تربیت‌گستران!

مربیان حوزه‌ای و مدرسان!

امروز اجتماع ما گرایشی درخور به کتاب و کتابخوانی ندارد؛ یعنی به گرسنگی روحی خود- به‌هیچ‌روی- پی نبرده و درصدد سیر کردن آن برنیامده است و به تحولی که در این‌بخش از حیات انسانی (کسب آگاهی و شناخت)، پیش آمده است، عطف توجهی نکرده است! از اینجا‌نظر خویش را بیشتر به کتاب‌های انسانی و اسلامی معطوف می‌داریم. فرهنگ‌بانان مسوولیت‌شناس جامعه امروز، باید در پنج امر به‌گونه‌ای راستین و پیگیر کوشش کنند و در ایجاد مقتضی و رفع مانع آنها بکوشند:
۱) تهیه کتاب‌های خوب و مفید و خوش‌خوان، برای گروه‌های مختلف سنی و فکری و اجتماعی.
۲) شناسایی و به‌کارگیری مولفانی که صلاحیت‌های انجام کار دارند.

۳) عرضه کتاب در همه جامعه، حتی در میان کوه‌نشینان و صحراگردانان.

۴) قیمت‌گذاری هرچه ارزان‌تر روی کتاب و کوتاه‌کردن دست گروهی تعهدناشناس، از این شغل مقدس.

نان و کتاب

استاد محمدرضا حکیمی

۵) ترویج و تشویق - و بلکه تعلیم - بی‌امان کتابخوانی، با همه وسایل ممکن و در همه جاها و وقت‌های میسور.
باید برای تالیف مجموعه‌ای از کتاب‌های انسانی و اسلامی، مجموعه‌ای کامل، زیبا، خوش‌چاپ، متناسب، ارجمند، غنی، دارای نثری صحیح و روح‌پرور و جاذبه‌دار... تلاشی اصولی و پیگیر و دامنه‌دار به عمل آید؛ تلاشی که بی‌گمان به‌ثمررسیدن آن، نیازمند کمک طبقات بسیار است، از جمله کمک فراوان گروه‌هایی که یاد کردیم.

درباره رده‌بندی سنی و تحصیلاتی و محیطی این کتاب‌ها، باید کارهایی مفصل و دقیق و کارشناسانه انجام پذیرد. در مورد قیمت کتاب، باید گسترده‌ترین کوشش‌ها صورت یابد، تا کتاب به ارزان‌ترین قیمت در دسترس مردم- در همه‌جا- قرار گیرد. این هزینه‌های فراوان و اغلب نالازم، بلکه گاه زیان‌آوری که دولت (در سفرها، سفره‌ها، بناها و...) از اموال و حقوق انسان محروم و ایتام مظلوم، خرج می‌کند، چرا مبالغی از آنها را به امور یادشده اختصاص نمی‌دهد؟ و اگر در برخی موارد هزینه‌گذاری می‌کند، چرا می‌گذارد در این امر مقدس، دزدی، رانت‌خواری و خیانتکاری شود؟ تا کی باید بگوییم و بنویسیم و ناامید نشویم؟ البته رمز ناامیدشدن، امید به این و آن و چگونگی اداره کشور نیست، تکلیف اقتضا می‌کند که بگوییم.

اینجانب از سال‌های‌سال پیش از این، معتقد بودم که دوجیز باید در سراسر جامعه رایگان شود:

۱) نان
۲) کتاب

یعنی آنچه مایه قوام و برپایی و سلامت جسم مردم است و آنچه عامل عمده سلامت و قوام روح مردم. و چون موضوع را با برخی از اقتصاددانان شریف و متعهد

کتابخانه‌های خانگی

همان بحث کمک به حفظ میراث مکتوب است.»

وی از جمله کارکردهای مهم این قبیل کتابخانه‌ها را ایجاد فرصتی برای کنش‌های اجتماعی کودکان، نوجوانان و جوانان عنوان کرد. صالحی افزود: «اگر بخواهیم نسل فردا، نسلی پیشرو شوند باید از فرصتی که کتابخانه‌های خانگی و مجتمع‌های مسکونی در شکل‌گیری کنش‌های اجتماعی بر مبنای کتاب در اختیارمان می‌گذارند؛ حداکثر بهره را ببریم. با گسترش چنین فعالیت‌هایی می‌توان فرصتی برای ارتباط سازی‌های اجتماعی نیز ایجاد کرد.»

کمک به ایجاد همبستگی میان مردم

«احمد مسجدجامعی»، عضو شورای اسلامی شهر تهران نیز در این مراسم گفت: «فعالیت‌های اینجینی خودجوش است و عقبه دولتی ندارد، اما سابقه کهن و دیرپایی در محله‌ها دارد. شهرسازی جدید شرایط اجتماعی را هم تغییر داده و موجب بروز آسیب‌هایی نیز شده است.» وی افزود: «مهم‌ترین کارکرد تاریخی این کتابخانه‌ها، نزدیک کردن آدم‌ها به یکدیگر است. بی‌شک کتابخانه‌های خانگی و مجتمع‌های مسکونی منجر به ایجاد همبستگی میان مردم می‌شوند. کارکردی که بسیار ارزشمند و مهم است و حتی در نهایت به ایجاد وحدت ملی میان مردم می‌انجامد. کتاب پیوندی میان افراد ایجاد می‌کند که استوار است و این نکته‌ای است که تمدن ما مبتنی بر آن است.»

نیاز

در دستور پیگیری قرار گرفته و هر چه زودتر تکمیل و برای استفاده عموم مردم آماده شود.از آغاز ساخت طرح کتابخانه مرکزی بندرعباس مدت ۴ سال می‌گذرد و این طرح، تنها ۴۵ درصد پیشرفت داشته است که باید راه‌کاری برای تکمیل آن یافت.طرح کتابخانه مرکزی بندرعباس یک طرح چند منظوره است که در خود سالن آمفی تئاتر مناسبی با گنجایش ۳۰۰ نفر دارد و فضاهای متعدد خوبی در آن طراحی شده که می‌تواند مورد استفاده گروه‌های مختلف قرار گیرد. جادری در این بازدید از معاون امور برنامه ریزی و مدیرکل راه و شهرسازی این استان خواست، راهکارهای ممکن را بررسی و در طول

و دارای تجربه‌های ممتد و گوناگون، در میان گذاشتم، می‌گفتند، رایگان کردن نان، برای حاکمیت مشکل‌چندانی ندارد و این اقدام بسیار مهم، با درنظرگرفتن ثمرات جنبی مثبتی که دارد، با هزینه‌گذاری نه‌چندان سنگین (و کاهش محسوس تضییع و مصرف و اسراف) کاملاً عملی است. بنابراین حاکمیت- اگر بخواهد می‌تواند برای رایگان‌شدن نان و کتاب- به‌صورتی مناسب- هزینه‌گذاری کند. ۲ و البته در این اقدام باید صادق باشد و باز مرکزی برای سوءاستفاده پدید نیابد. و روشن است که مقصود از «نان» - در اینجا- چندقونه نان متعارف است، چنانکه مقصود از کتاب نیز- افزون‌بر «کتاب‌های درسی» - این دسته از کتاب‌هاست (نه مخطوطات نفیس و امثال آنها):

۱) کتاب‌های لازم دینی (برای عموم)

۲) کتاب‌های لازم سیاسی (برای عموم)

۳) کتاب‌های لازم اجتماعی و اخلاقی (برای عموم)

۴) کتاب‌های لازم تاریخی و انقلابی (برای عموم)

۵) کتاب‌های لازم ورزشی و نظامی و تعلیمات دفاعی

و چریکی.

این کتاب‌ها باید- چنانکه گفته شد- برحسب سن، تحصیلات و شرایط محیطی مردم و توجه به نیازهای جامعه، به‌وسیله مولفانی واجداهلیت‌های لازم،تنظیم و تدوین شود.

۱- اگر «فرهنگ‌بانی» چند داشته باشیم و «مسوولیت‌شناسی»...

۲- می‌توان، کار را آزمونی نیز آغاز کرد: با هفته‌ای یک‌روز، نان، در سراسر کشور، رایگان... یا در برخی (مناطق محروم)، رایگان.

کتابخانه‌های خانگی؛ راهی برای نجات از فرد گرایی فریدون عموزاده خلیلی، رئیس هیأت‌مدیره انجمن ناشران و نویسندگان کودک و نوجوان نیز در این مراسم گفت: «در روزگار فعلی رسانه‌های جدیدی پا به عرصه گذاشته‌اند که فضای اجتماعی را در سیطره خود درآورده‌اند و این باعث شده عده‌ای نگران از بین رفتن کتاب‌های کاغذی باشند. با این حال بر اساس آمارهایی که در دنیا وجود دارد کتاب هنوز جایگاه خودش را حفظ کرده است.» عموزاده خلیلی تصریح کرد: «دنایای امروز به سمت فردگرایی حرکت می‌کند، رسانه‌های جدید آدم‌ها را تنهاتر از قبل کردند و علاوه بر آن، روحیه همیاری و همبستگی را تضعیف کردند. در چنین زمانه‌ای که فرصت فکر کردن به جمع و مشارکت را نداریم، داشتن کتابخانه خانگی می‌تواند ما را امیدوار کند.» وی معتقد است که استفاده از کتابخانه‌های خانگی علاوه بر تقویت روحیه جمعی، خبر از وجود اعتماد عمومی می‌دهد. اعتمادی که با توجه به ویژگی جهان امروز به آن نیاز داریم. به گفته عموزاده خلیلی کتاب این ظرفیت را دارد که اعتماد و همبستگی عمومی را تقویت کرده و تنها روشی است که می‌تواند به لایه‌های پایینی اجتماع هم نفوذ کند.

گفتنی است سومین دوره از جشنواره مذکور در حالی به کار خود پایان داد که کتابخانه «فاطمه‌ها» از روستای «دهکحان» کهنوج کرمان با ۱۰ هزار جلد کتاب و ۲۰۰ عضو فعال رتبه نخست آن را به خود اختصاص داد.

کتابخانه مرکزی بندرعباس

ماه جاری نتیجه را به وی اعلام کنند.

فرشید دستتوان، مدیرکل راه و شهرسازی هرمزگان نیز در جریان این بازدید گفت: برای تکمیل کتابخانه مرکزی بندرعباس ۶ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان اعتبار نیاز است.ساخت این کتابخانه از سال ۸۸ با زیربنای ۶ هزار و ۸۰۰ متر مربع آغاز شد که اکنون ۴۵درصد پیشرفت فیزیکی دارد. وی تصریح کرد: در صورت تأمین اعتبار مورد نیاز، این کتابخانه تا پایان سال آینده به بهره برداری خواهد رسید. شایان ذکر است، طرح کتابخانه مرکزی بندرعباس در پارک جنگلی این شهر واقع شده است.

امامان اهل بیت(ع) در کتب اهل سنت منتشر شد

ترجمه کتاب امامان اهل بیت علیهم السلام در کتب اهل سنت تألیف حکمت الرحمة و ترجمه آیت الله خزائی با توجه به جایگاه ویژه اهل بیت نزد مسلمانان و همچنین درج مناقب و فضایل آنان در کتاب‌های شیعه و اهل سنت به همت پژوهشکده حج و زیارت منتشر شده است.

در دیباچه این کتاب آمده است: اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله انسان‌های کاملی‌اند که خداوند به پاکی و وارستگی آنان گواهی داده و رسول خدا نیز در روایت مشهورش «نی تارك فيكم الثقلين كتاب الله و عترتي اهل بيتي...»، تمسک به آنان را کنار کتاب الهی خواستار شده است.

این نوشتار می‌افزاید: اهل بیت علیهم السلام همواره نزد مسلمانان جایگاه ویژه‌ای داشته‌اند و مناقب و فضایل آنان در کتاب‌های شیعه و اهل سنت درج شده است، از این‌رو بررسی دیدگاه اهل سنت درباره اهل بیت، می‌تواند یکی از راه‌های تقریب میان دو فرقه اصلی اسلامی، یعنی شیعه و اهل سنت باشد.

در فصل نخست این اثر که در یازده فصل و یک بخش پایانی سامان یافته، برخی آیات و روایات مربوط به شأن و منزلت اهل بیت علیهم السلام بررسی شده و در فصل‌های دیگر به نقل سخنان علما و بزرگان اهل سنت درباره فضایل اهل بیت علیهم السلام پرداخته شده است.

البته در فصل‌های کتاب ائمه اهل بیت علیهم السلام در کتب اهل سنت تنها به روایاتی اشاره شده که از نظر علمای اهل سنت صحیح است و جز در برخی موارد، آن هم برای شاهد و نمونه، از نقل روایات ضعیف نزد آنان خودداری شده است.

نویسنده اثر که برای معرفی هر امام در ابتدای هر فصل، تنها از روایات اهل سنت استفاده نکرده، بلکه از روایات شیعه نیز بهره گرفته است تا کتاب از شکل احتجاج و مجادله خارج شود، در بخش پایانی کتاب مسأله تمسک به ائمه اهل بیت علیهم السلام را بیان می‌کند.

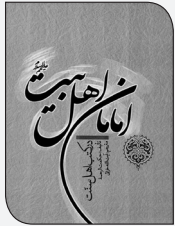
امیرمؤمنان، علی بن ابی طالب علیه‌السلام نخستین پیشوای اهل بیت، امام حسن و امام حسین علیهما السلام پیشوایان هدایت و سرور جوانان اهل بهشت و امام زین العابدین، علی بن حسین علیه‌السلام چهارمین امام از اهل بیت، عنوان‌های فصل اول تا سوم این اثر را به خود اختصاص داده‌اند.

فصل چهارم تا هفتم این اثر، روایات مربوط به امام باقر، محمد بن علی علیه‌السلام، امام صادق، جعفر بن محمد علیه‌السلام، امام کاظم، موسی بن جعفر علیه‌السلام و امام رضا، علی بن موسی علیه‌السلام، پنجمین، ششمین، هفتمین و هشتمین پیشوایان اهل بیت علیهم السلام را مطرح می‌کند.

در فصل هشتم تا یازدهم اثر نیز روایات مرتبط با امام جواد، محمد بن علی علیه‌السلام، امام هادی، علی بن محمد علیه‌السلام، امام عسکری، حسن بن علی علیه‌السلام و امام مهدی منتظر، محمد بن حسن علیه‌السلام، نهمین، دهمین، یازدهمین و دوازدهمین پیشوایان اهل بیت بررسی می‌شود.

یادآور می‌شود، تألیف کتاب ائمه اهل البیت علیهم السلام فی کتب اهل السنه در آغاز به کوشش شیخ حکمة الرحمة و با سفارش مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام در دستور کار قرار گرفته و در ادامه با توجه به ضرورت ترجمه آن، به فارسی برگردانده شده است.

این کتاب به تازگی در قطع وزیری، شمارگان ۵۰۰۰ نسخه و قیمت ۶۸۰۰ تومان از سوی مؤسسه فرهنگی هنری مشعر منتشر شده است.



علم، معنویت و حکمت شاخصه های حیاتی در وحدت امت اسلامی

و اشتراکات دینی میان مذاهب اسلامی به عنوان مولفه ای میان مذهبی برای امر وحدت بسیار ضروری است، چرا که شباهت ها و تفايرهای علمی، دینی و از روی حکمت به طور دقیق روشن می شود و بر اساس شباهت ها می توان به تزايد شباهت پرداخت و با روشن شدن تفاير ها، آستانه تحمل تفاير ها را بالا برد یا آن را به کم ترين حد فروکاست به خصوص اگر تفاير از چهل برخاسته باشند.

وی در بخش دیگری از سخنانش حکمت و عقلانیت را به عنوان مولفه حیاتی برای مقابله با جنگ طلبی گروه های تکفیری برشمرد و افزود: قرآن کریم و سیره ائمه اطهار(ع) بر مبنای مبعوضیت و عدم محبوبیت جنگ طلبی و ضرورت عقل گرایی و رجوع به حکمت و خرد در معادلات و ساختارهای جهانی دستور داده است.

دکتر مختاری در اهمیت تحقق امنیت اجتماعی برای امت اسلامی و تقبیح پدیده زشت تکفیر توسط گروه های تکفیری و تروریستی افزود: پدیده شوم تروریسم و خشونت و افراطی گری گروه های تکفیری که با برچسب تکفیر و تهاجم به عقاید دیگر مذاهب اسلامی صورت می گیرد در حالی است که امنیت عقیده در قرآن یکی دیگر از صورتهای امنیت اجتماعی است که بر اساس آن، انسانها از جهت باورها در امنیت هستند.

حجت الاسلام والمسلمین دکتر مختاری در پایان با اشاره به ضرورت بسط و توسعه مولفه علم، معنویت و حکمت در میان امت اسلام بیان کرد: واکاوی چگونگی کارآمدی گزاره هایی از قبیل علم زندگی محور و نیز شریعت اسلامی و حکمت اسلامی در ارائه چارچوب منطقی و صلح محور می تواند در رفع بسیاری از شبهات موثر واقع گردد و اسلام واقعی که همان اسلام رحمانی است را برای جهانیان معرفی نماید و بطلان موج آفرینی رسانه های غربی صهیونیستی که با ابزار گروه های تکفیری در راستای ارائه تصویری خشن و جنگ طلب در راستای تحریف چهره واقعی اسلام اقدام نمودند را آشکار سازد.

گرایی گروه هایی است که تحت لوای آموزه های مذهبی اینچنین ساختارهای جهانی را با خشونت و تعصب های مذهبی مواجه ساخته است که قدرت های غربی با سوء استفاده از این خشونت های مذهبی برای سیطره هرچه بیشتر بر جوامع اسلامی و با هدف بهره بردای مادی جنگ ها را به راه انداختند.

امام جمعه و رئیس سابق مرکز اسلامی نیوکاسل با بیان اهمیت حق حیات و زندگی برای تحقق صلح و معنویت جهانی افزود: بر اساسی تعلیم قرآن قتل نفس بلاشک بالاترین گناه است و اگر کسی انسانی را بکشد مانند اینکه همل اهل جهان را کشته است و کسی که یک انسان را احیاء کند مانند کسی است که همه جهان را احیاء کرده است.

ایشان تحقق صلح جهانی را معلول بسط و گسترش معنویت جهانی با بهره گیری از عدالت عنوان نمود و گفت: صلح جهانی بر مبنای معنویت و عدالت جهانی است، عدالتی که برای رسیدن به کرامت انسانی و معنوی است و همه ادیان، ارزشمندی آن را می پذیرند و از نیکو بودن عدالت سخن می گویند.

رئیس پژوهشگاه مطالعات تقریبی به نقش کلیدی اشتراکات دینی و مولفه معنویت در ایجاد وحدت و صیانت از اتحاد امت اسلامی اشاره کرد و افزود: مروجین خشونت همچون گروه های تروریستی تکفیری که مذهب را به یک ایدئولوژی تقلیل دادند و سنی ایسم و شیعه ایسم را به وجود آوردند در راستای غیریت و ضدیت و بلند کردن علم جنگ گام برداشته اند که فقدان معنویت در رویکرد این گروه های تکفیری منجر به ذبح اخلاقیات و ارزش های اسلامی و انسانی در جوامع اسلامی گردید.

استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم با بیان اهمیت تمسک به آموزه های معنوی در اسلام و طرح اشتراکات دینی دین مبین اسلام در میان مسلمانان برای تحقق «وحدت اسلامی» عنوان نمود: تمسک به دین و معنویت



رئیس پژوهشگاه مطالعات تقریبی در گفت و گوئی تفصیلی با سایت پژوهشگاه مطالعات تقریبی مهمترین راهکارهای وحدت امت اسلامی و مقابله با خشونت و تروریسم و گروه های تکفیری در جهان را تشریح کرد. حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمد حسین مختاری رئیس پژوهشگاه مجمع

جهانی تقریب مذاهب اسلامی علل افزایش تهدید امنیت جهانی توسط جنگ طلبان و علل تشدید خشونت های گروه های تکفیری علیه مسلمانان اعم از شیعه و سنی را بر گرفته از تعصبات خشک و خشن در متن اندیشه های تکفیری دانست و مولفه علم، معنویت و حکمت را به عنوان مولفه ای میان فرهنگی و میان رشته ای به، عنوان شاه کلید خنثی نمودن اسلام هراسی غرب و مقابله با جنایات گروه های تکفیری و نیز تبیین چهره رحمانی اسلام معرفی نمود.

رئیس پژوهشگاه مطالعات تقریبی در تبیین نقش کلیدی علم زندگی محور بر استقرار صلح و آرامش در جوامع بشری بیان نمود: صلح جهانی تنها با اهتمام همگان به دانش زندگی محور، حکمت دینی و نیز معنویت زندگی محور امکان پذیر است، دانش زندگی محور مجذبه برای دستیابی به صلح جهانی تلاش میکند و قبح و زشتی جنگ طلبی و خشونت و ترور را برای همگان هویدا می سازد.

استاد حوزه و دانشگاه مولفه های سه گانه علم، معنویت و حکمت را مهمترین وجه مشترک اهل سنت و اهل تشیع دانست و بیان داشت: آموزه های فوق الذکر در جوامع اسلامی جنگ های میان مذهبی و تفرقه و اختلافات را بر طرف خواهد نمود و موجب تقویت همزیستی برادرانه خواهد گردید.

وی در تبیین چرایی جنایات گروه های تکفیری علیه مسلمانان تاکید کرد: خشونت های مذهبی که در قالب گروه های تکفیری به وقوع پیوست و این جنایات همچنان در سوریه و عراق... ادامه دارد ارمغان شیطان

بیانیه علمای شیعه و سنی ایران در محکومیت هتک حرمت مسجد الاقصی

۲۲. حجت الاسلام دکتر علیزاده موسوی؛ مدیر پژوهشکده حج و زیارت
۲۳. مولوی عید محمد عرب
۲۴. حجت الاسلام دکتر علیرضا ایمانی - استاد دانشگاه ادیان و مذاهب
۲۵. ماموستا حسین تیباش - از علمای اهل سنت ارومیه و عضو شورای مرکزی جماعت دعوت و اصلاح ایران
۲۶. حجت الاسلام جانتلی ظریف صیادی - رئیس سازمان تبلیغات شهرستان هیرمند
۲۷. مولانا عبدالخبیر صمدانی فر - امام جمعه بوک قصرقند شهرستان نیکشهر
۲۸. حجت الاسلام ابراهیم گرمه
۲۹. شیخ کشف الدین محمدیان عضو شورای مرکزی جماعت دعوت و اصلاح ایران
۳۰. حجت الاسلام مهدی مسائلی (نویسنده و پژوهشگر)
۳۱. مولوی سید حسن حسینی
۳۲. حجت الاسلام محمدحسین ملکزاده (استاد حوزه و مبلغ بین المللی)
۳۳. مولوی داوود نارویی عضو شورای مرکزی جماعت دعوت و اصلاح ایران
۳۴. حجت الاسلام حامد احدی
۳۵. ماموستا سید عبدالقادر حسینی - مدرس حوزه و دانشگاه کردستان
۳۶. حجت الاسلام محمد صدر محسنی
۳۷. ماموستا سید مصطفی محمدودیان
۳۸. حجت الاسلام زکی
۳۹. ماموستا محمود بن الخیات - مدیر مدرسه الشافعیه سقر
۴۰. حجت الاسلام محمد تقی امیدی
۴۱. ماموستا علی خالدي
۴۲. حجت الاسلام میثم صفری
۴۳. ماموستا سید محمدامین واژی
۴۴. حجت الاسلام محمد الحیدری
۴۵. ماموستا عبدالله شرفی و دهها شخصیت دیگر
- علمای مسلمین
۴. حجت الاسلام والمسلمین محمد حسن زمانی - معاون بین الملل حوزه های علمیه
۵. دکتر محمود ویسی - استاد دانشگاه تهران و مسئول کمیته علمای جماعت دعوت و اصلاح ایران
۶. حجت الاسلام والمسلمین سید مهدی میرباقری - رئیس فرهنگستان علوم اسلامی
۷. مولانا عبدالرحمن سربازی - امام جمعه چابهار
۸. مفتی قاسم قاسمی - مفتی دارالعلوم زاهدان
۹. مولانا نذیر احمد سلامی - نماینده اهل سنت در مجلس خبرگان رهبری
۱۰. حجت الاسلام ابوالحسن نواب - رئیس دانشگاه ادیان قم
۱۱. ماموستا ملاقادر قادری - امام جمعه پاه
۱۲. مولانا عبدالله وحیدفر - امام جمعه نیکشهر
۱۳. حجت الاسلام والمسلمین عبدالکریم بی آزار شیرازی - رئیس سابق دانشگاه مذاهب اسلامی
۱۴. شیخ سعد الدین صدیقی - عضو شورای مرکزی جماعت دعوت و اصلاح ایران
۱۵. حجت الاسلام مبلغی؛ رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی
۱۶. حجت الاسلام محسن الویری - استاد حوزه و دانشگاه
۱۷. ماموستا اقبال بهمنی - امام جمعه شهر موچش کردستان
۱۸. حجت الاسلام دکتر محمدرضا زائری؛ مدیرعامل مجموعه فرهنگی سرچشمه
۱۹. ماموستا رسول ابوالمحمدی - مدرس علوم دینی در کردستان و عضو شورای مرکزی جماعت دعوت و اصلاح ایران
۲۰. حجت الاسلام دکتر فرمانیان؛ رئیس دانشکده مذاهب اسلامی دانشگاه ادیان
۲۱. شیخ مصطفی اربابی - مدرس و مؤسس دارالتحقیظ امام ابوحنیفه تربت جام و عضو شورای مرکزی جماعت دعوت و اصلاح ایران

۲۱۶ نفر از علمای شیعه و سنی ایران از جمله آیت الله تسخیری رئیس شورای عالی مجمع تقریب، هتک حرمت قبله اول مسلمین جهان توسط شهرک نشینان صهیونیست و نیروهای امنیتی اسرائیل را محکوم کردند.

متن این بیانیه به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم
«سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ»

ما هتک حرمت مسجد الاقصی و بیت المقدس به عنوان ملجا و مامن و معبد تمامی ادیان ابراهیمی را محکوم کرده و نسبت به تداوم اعمال سیاست های نژادپرستانه رژیم صهیونیستی در مورد مقدسات این شهر اعلام نگرانی می کنیم. بی تردید تداوم سیاست های سرکوبگرانه این رژیم علیه مردمی که در خانه خود تحت شدیدترین فشارها هستند حق ملت فلسطین برای مبارزه در راه آزادی و دفاع از مقدسات و محترمات مذهبی ایشان را محفوظ می دارد.

آنچه امروز در آن سرزمین مقدس می گذرد تداوم جنایت های ۶۶ ساله رژیم صهیونیستی به پشتوانه دولت های استعمارگر و استمرار حق طلبی ملتی مظلوم و سرکوب شده است که از حمایت دولت های مرتجع منطقه و نهادهای به اصطلاح حقوق بشری ناامید شده اند و چشم امیدشان در راه حفظ حرمت مقدسات شهر قدس به حمایت آزادی خواهان جهان از ایشان و محکومیت جهانی سعیت ارتش نژادپرست صهیونیستی است.

به امید اقامه نماز وحدت در مسجد الاقصی

۱. آیت الله محمد علی تسخیری - رئیس سابق مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

۲. مولانا عبدالحمید اسماعیل زهی - امام جمعه اهل سنت زاهدان

۳. استاد عبدالرحمن پیرانی - دبیر کل جماعت دعوت و اصلاح ایران و عضو شورای مرکزی اتحادیه جهانی

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی

دوهفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: سیدهادی خسروشاهی
سردبیر: سید محمود خسروشاهیدفتر مرکزی: قم / خیابان شهدا (مفاتیح) / نبش ممتاز
تلفکس: ۰۲۶۳۷۷۴۱۴۳۳ صندوق پستی: ۱۳۶ چاپ: ولیعصر

سایت‌های مرکز

مرکز بررسی‌های اسلامی: www.iscq.ir

استاد خسروشاهی: www.khosroshahi.org

پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

به مناسبت شانزدهمین سالگرد عروج
علامه محمدتقی جعفری

روزهای تلخ یک ساواکی

فرید صلواتی: بنده خدا برای اولین بار که برای جاسوسی به جلسه درس استاد می رود همان دم در می نشیند، دفتر و قلمش را از کیفش درآورده و افه دانشجویی می گیرد تا شناخته نشود. گوش می کند تا هرچه استاد می گوید با دقت یادداشت کند. «حقوق بشر، علیت؛ حیات معقول، اراده، وجدان، حرکت جوهری، ... اینها یعنی چه؟ چه معنا دارد؟ بنده خدا گیج شده بود، اعصابش به هم ریخته بود، سخنرانی استاد که تمام می شود خمیازه ای می کشد و از کلاس خارج می شود. با گیجی گزارشش را جمع بندی کرده و به طرف ساواک می رود.

سر مامور ساواک با تعجب نگاهی به گزارش می کند. «... ممکن است ایده آلیست ها ادعا کنند که شما رئالیست ها وجود واقعی فیل را به طور پوستولاً (اصل موضوعی) پذیرفته، سپس اختلاف دیدها را درباره واقعیت فرض شده...» سرمامور ساواک داد می کشد که: مرتبکه این مزخرفات چیه نوشتی؟ منو مسخره کردی؟

مامور می گوید: قربان حرف های جعفری را موبه مو نوشتم دفعه بعد حتما واضح تر می نویسم.

گزارش روز بعد: «... این اصل اثبات شد که با بازشدن ابعاد و استعدادهای انسانی و تقویت پیدا کردن عوامل درک وی، واقعیات جدیدتری برای انسان مطرح می گردد. مانند به فعلیت رسیدن بعد حسن عدالتخواهی که واقعیتی...» مامور دوباره بعد از پایان سخنرانی از کلاس خارج شده و برای ارایه گزارش به طرف ساواک می رود.

سرمامور ساواک دو، سه بار متن گزارش را می خواند و به علامت عدم فهم سرش را تکان می دهد و رو به مامور کرده و می گوید: مرتبکه الاغ دوباره که پرت ویلانوستی؛ آخه این مزخرفات چیه که گزارش دادی؟ خودت هم فهمیدی چی نوشتی؟

مامور جواب می دهد: به پیر، به پیغمبر، به خدا قسم هر چی جعفری گفته نوشتم. قربان والا من هیچی از حرفاش نمی فهمم. من تعجب می کنم یه مشت علاف دوروبرش جمع شدن حرف حسابشون چیه؟ سرمامور فریاد می زند: من نمی فهمم فلانی. در هر صورت گزارش شده حرف های خاصی برای یه مشت آدم های خاص می زنه باید به من گزارش درست بدی. مامور می رود و دفعه بعد هم همانگونه گزارش نامفهوم را ارایه می دهد. این بار سرمامور می گوید: خودمونو مسخره کردیم، بروید و جعفری را احضار کنید تا بفهمیم حرف حسابش چیست؟

استاد علامه محمدتقی جعفری به سازمان اطلاعات و امنیت کشور احضار می شوند، صفا و صداقتی که از چهره ایشان هویدا بود ماموران را وامی دارد که ادب را در مقابل استاد رعایت کنند. بعد از تعدادی سوال و جواب، ماموران متوجه می شوند که آنچنان که تصور می کردند استاد آدم خطرناکی نیست و اجازه می دهند تا استاد به سخنرانی های خود ادامه دهند به شرط آنکه ایشان دو موضوع را رعایت کنند: یکی اینکه نسبت به شخص اول مملکت هیچ نگویند و دوم اینکه به اسرائیل حمله نکنند. بیچاره ماموران اطلاعاتی نمی دانستند تفکر و اندیشه استاد جعفری بسیار فراتر است و افرادی که مخاطبشان هستند باید از درک و شعور بالایی برخوردار باشند.

رونمایی از ۷۰ کتاب جدید نشر معارف با حضور استاد خسروشاهی

بهراحتی کتاب‌های خود را در جامعه عرضه کنند. پیرمردیان با اشاره به کتاب‌های شناسایی شده برای توزیع در کتابفروشی‌های ارزشی، عنوان کرد: تاکنون ۱۲ هزار جلد کتاب شناسایی شده است که حدود ۴ هزار جلد آن فعال و پویا است.

مدیر نشر معارف با اشاره به راهاندازی فروشگاه‌های پاتوق کتاب در سراسر کشور، تأکید کرد: در فاز اول این فروشگاه‌ها در مراکز استان‌ها تأسیس می‌شود و تاکنون در ۲۰ استان این حرکت انجام شده است و ۸ مرکز استان دیگر نیز تا پایان سال به فروشگاه‌های زنجیره‌ای پاتوق کتاب می‌پیوندند. گفتنی است در این مراسم سیدمحمود خسرو شاهی مدیر انتشارات کلبه شروق، حجت الاسلام اسماعیلیان رئیس اداره ارشاد اسلامی شهر قم، حجت الاسلام رنجبران رئیس پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی، حجت الاسلام اسماعیلی مدیر بوستان کتاب، دیانی مشاور فرمانده سپاه علی ابن ابی طالب (ع) و بختیاری معاون فرهنگی سپاه علی ابن ابی طالب (ع) نیز حضور داشتند.



حجت‌الاسلام والمسلمین محمدیان و حجت الاسلام والمسلمین خسروشاهی

جامعه، تصریح کرد: اگر شهرهای بزرگی مانند مشهد، اصفهان، تهران و قم را نادیده بگیریم ملاحظه می‌کنیم که سرانه استفاده از کتاب در کشور بسیار پایین است. وی با اشاره به فروشگاه‌های زنجیره‌ای پاتوق کتاب، عنوان کرد: بر اساس دیدگاه رهبر معظم انقلاب ایجاد فروشگاه‌های زنجیره‌ای سبب می‌شود تا کتاب به راحتی در دسترس عموم قرار گیرد و مجموعه ناشران انقلاب فرهنگی نیز بتوانند

مراسم رونمایی از ۷۰ جلد کتاب چاپ سال ۹۳ دفتر نشر معارف (وابسته به نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها) و افتتاح شعبه مرکزی فروشگاه‌های زنجیره‌ای پاتوق کتاب در قم با حضور حجت‌الاسلام والمسلمین محمد محمدیان و حجت الاسلام والمسلمین خسروشاهی برگزار شد.

در ابتدای این مراسم حجت‌الاسلام محمدیان (نماینده ولی فقیه در دانشگاه‌ها) با تقدیر از زحمات ناشران، اظهار کرد: ناشران ارزشی در کشور فعالیت چشمگیری دارند که قابل تقدیر و ستایش است، بنابراین اگر افراد افق دید روشن در این راه نشر کتاب قدم بردارند حرکتی مطلوب در کشور رقم می‌خورد.

مسعود پیرمردیان نیز با اشاره به سابقه فعالیت نشر معارف، افزود: این انتشارات با سابقه ۱۵ ساله خود بزرگ‌ترین انتشارات دانشگاهی است که حجم بالایی از اطلاعات را به مخاطبان خود عرضه می‌کند. مدیر نشر معارف با اشاره به مشکلات کتاب‌خوانی در

مراسم تکریم مقام کتابداران و خادمان عرصه کتاب و کتابخوانی با تجلیل از دکتر سیدمحمود مرعشی نجفی در سالن غدیر اداره کل کتابخانه‌های عمومی استان قم برگزار شد.

در این مراسم که با حضور جمعی از کتابداران، مسئولان استانی، خیرین، اساتید حوزه و دانشگاه برگزار شد، حجت‌الاسلام محمدعلی مهدوی‌راد استاد حوزه و دانشگاه با اشاره به اینکه کتاب نشانگر حق و حقوق فرهنگی یک جامعه است، گفت: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی مهمترین نماد فرهنگ مداری جامعه ایران است.

وی با بیان اینکه عمل صالح سرلوحه آموزه‌های قرآنی است خاطرنشان کرد: تأسیس کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی مصداق روشنی از عمل صالح است زیرا در جهت رضای خدای انجام گرفته است.

حجت‌الاسلام والمسلمین مهدوی راد یکی دیگر از خصوصیات عمل صالح را تداوم دانست و گفت: تداوم کتابخانه آیت مرعشی نجفی با پسر ایشان آقای دکتر مرعشی است که تمام وقت خود مصروف امور آن کتابخانه کرده اند. وی با اشاره به علاقه دکتر

سیدمحمود مرعشی نسبت به کتاب اظهار داشت: اگر بخواهیم آقای دکتر مرعشی نجفی را وصف کنیم باید بگوییم ایشان عاشق کتاب هستند.

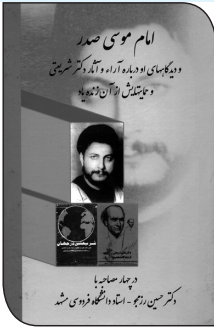
در ادامه این مراسم حجت الاسلام رضا مختاری مدیر موسسه کتابشناسی شیعه با قرائت آیه ۲۴ سوره ابراهیم گفت: یکی از مصادیق بارز و روشن کلمه طیبه کتاب و کتابخانه است و یکی از بارزترین مصادیق کتابخانه طبق این آیه کتابخانه بابرکت و جامع حضرت آیت الله مرعشی نجفی است.

وی با بیان اینکه سرنوشت اکثر کتابخانه‌های شخصی و خصوصی به خیر منجر نشده است، گفت: از بین کتابخانه‌هایی که بعد از وفات موسس کماکان باقی مانده کتابخانه وزینی در یزد و کتابخانه ملک است ولی هیچکدام از این کتابخانه‌ها به لحاظ وسعت تأثیر گذاری و جامع بودن با کتابخانه مرعشی نجفی قابل قیاس نیستند

آقای مختاری مزیت اصلی کتابخانه آیت الله مرعشی را اهتمام خاص به حفظ نسخه خطی و مکتوبات شیعه و وسعت نظر در اختیار قراردادن اصل و تصویر نسخ خطی

معرفی کتاب امام موسی صدر و دیدگاه او درباره آراء و آثار دکتر شریعتی

شجاع، واقع‌بین و منصف تشیع علوی در جهان معاصر اسلامی است، و چون از نظر اندیشه و آگاهی و صلاحیت علمی و احراز مرتبه والای اجتهاد مورد احترام و تأیید قاطبه بزرگان حوزه‌های علمیه قم و نجف - و مراجع تقلیدی نظیر امام خمینی (رض) بنیانگذار و رهبر انقلاب اسلامی ایران قرار دارد و در میان قشر عظیمی از دانشگاهیان جمهوری اسلامی ایران معزز و از چهره‌های ماندگار به شمار می‌رود، و از طرفی دیگر



بر اساس مستندات و دلایل عقلی و نقلی با آراء و اندیشه‌های مشاهیر علمی و فرهنگی آشنا نمود و به همین منظور و برای تحقق این هدف مقدس تاکنون به تألیف آثاری چند درباره‌ی دانشور شهیر مرحوم دکتر علی شریعتی پرداخته‌اند که بسیار خواندنی است و مورد استقبال روشنفکران دین‌باور به ویژه نسل جوان واقع شده که از جمله آنها کتاب‌های ذیلند:

۱- استاد و فرزند برومند او: یادداشت‌هایی

درباره آراء و آثار استاد محمدتقی شریعتی مزینانی و دکتر علی شریعتی.

۲- نعل وارونه زدن و شواهدی از آن در گذرگاه تاریخ ایران اسلامی از آغاز تا عصر حاضر.

۳- پوستین وارونه: نقد و نظری بر بحث «دکتر شریعتی و تز اسلام منه‌ای روحانیت که مؤلف» کتاب نهضت امام خمینی (ره) به آن زنده‌یاد نسبت داده است.

۴- چرا هوادار دکتر علی شریعتی شده‌ام؟.

و اینک نظر به آنکه استاد در پیشگفتاری که بر مجموعه حاضر نگاشته‌اند خبر داده‌اند: که اخیراً با ایشان ضمن چهار مصاحبه پیرامون شخصیت جناب امام موسی صدر و زنده‌یاد دکتر علی شریعتی گفتگو شده است، و حاصل آن به صورت اثر حاضر یا کتابی درآمده است با عنوان «امام موسی صدر و دیدگاه‌های او درباره زنده‌یاد دکتر شریعتی».

لذا با توجه به این واقعیت‌های آشکار است که حقیر با اذعان به این که امام موسی صدر از دانشمندان بزرگ،

شادروان دکتر علی شریعتی نیز شخصیتی است که وجود آراء و افارش در تحولات افکار و عقاید دانشگاهیان و فرهنگیان کشور در جریان انقلاب کبیر اسلامی ایران که در ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ شمسی و سوق دانشان به صفوف میلیونی انقلاب که به رهبری امام خمینی (رض) هدایت می‌شد نقشی حیاتی را ایفاء کرده و از آن جا که کتاب‌ها و دیگر آثار مکتوبش به اغلب زبان‌های زنده دنیا ترجمه شده است، و در واقع تاکنون از او چهره‌ای اصلاح‌طلب و مؤثر را در میان نویسندگان مشهور جهان رقم زده است، جا دارد که اینجانب از این که به عنوان ناشر کتاب حاضر انتخاب شده‌ام، به واسطه دارا شدن این موهبت، خداوند مهربان را سپاسگزار باشم و خوانندگان سخن‌سنج معنی‌یاب فضیلت‌خواه را به مطالعه این اثر نفیس و خواندنی توصیه کنم.

۱. نهج اللاغه: فرازی از نامه ۳۱.

۲. سفینه البحار: ج ۲، ص ۶۴۱.